

انقلاب يك قانون اساسی بیشتر ندارد

قانون اساسی برای حفظ حقوق مردم و حفظ آزادیهای سیاسی و اساسی آنها عدول از این قانون، عدول از انقلاب است، و افشاندن پدر انقلابی دیگر این را تاریخ می گوید

شنبه

۲۱

خرداد ۱۳۵۸

۱۶ رجب ۱۳۹۹

۱۱ ژوئن ۱۹۷۹

پیغام امروز

شماره ۷۸ دوره جدید سال بیستم تک شماره ۱۵ ریال

کانون نویسندگان:

لایحه جدید مطبوعات را بایگانی کنید

اندیشه و بیان دیگر قلم و وکیل و وصی نمی خواهد کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه ای اعلام کرد لایحه جدید مطبوعات در خور دولت موقت جمهوری اسلامی نیست و باید به بایگانی وزارت اطلاعات گذاشته شود تا با خاطره همان وزارت ضد مردمی به گور سپرده شود. متن بیانیه کانون نویسندگان چنین است: گرفتاری نخست اینست که سخن گفتن از هر مسأله فرهنگی و بقیه در صفحه ۸

خطر از خلیج فارس تا کوه های زاگرس گسترده شده آیا در تمام این تدارک نهادست امریکا پیدا نیست؟

پشت پرده، روی پرده

مثل اینست که اصل پنهانکاری از مردم، بزرگترین شرط حکومت است. چون حکومت زیر کلید دولت موقت انقلاب نیز به اندازه حکومت رژیم سرتکون شده، و گاه بیشتر در استار کارها، و وقایع از مردم، می گویند. هنوز از وقایع اصلی پشت پرده، در خوزستان و خرمشهر کسی پرده برداشته است و معلوم نیست، چرا ناگهان موجی عیب انگیز شده، و ناگهان موجی عیب فرورکش کرد. آنچه مردم از وقایع خرمشهر شنیدند و خواندند، غیر رسمی بود، و مطالب رسمی، از چیزی شبیه یک «فتحنامه» بعد از ۲۴ ساعت آشوب، حکایت می کرد. مطالبی که سخنگوی رسمی دولت بر زبان آورده، اگر ملاک باشد، معلوم نیست تکلیف من قهرمان اعتصاب پاییزه نفت، که در ارتباط با وقایع آبادان و خرمشهر

رهبری آگاه روحانی در برابر مجلس مؤسسان و حق حیات سیاسی نظامیان

سرانجام يك رهبر روحانی، سدر اشکست، آیت الله شریعتداری، بسیار روشن خاطر نشان ساخت تشکیل ندادن مجلس مؤسسان آتش به بسیار بزرگی است. و انسان حق دارد و پشتش را دوست داشته باشد، و نظامیان هم مثل دیگر افراد جامعه می توانند دارای عقیده سیاسی باشند. اینها بدیهیات اجتماعی عصر ماست. مردم روستاها و جنوبشهرها، جمعیت حقوق بشر نیستند، حقوق بشر نیستند، خود بشرند، و جمعیت دفاع از حقوق بشر، اول و در مرتبه مقدم برای دفاع از حقوق آنها تشکیل می شود، و اعلامیه حقوق بشر تدوین شده است تا دولت ها و حکومت ها و قدرت های حاکم، در هر نقطه جهان، از تجاوز به حقوق این افراد خودداری ورزند. و از آنجا که خود این افراد این «کلانمدی» های میرزاده عشقی، و «داغ نفرت خوردگان» سرود جهانی کارگران، آگاه و آشنا به حقوق خویش نیستند، کسانی از آرمان گرایان، چون رهبران روحانی انقلاب ایران، و یا حقوقدانان، دانشگاہیان، دانشجویان و شخصیت های اجتماعی و فرهنگی، برای این آشنایی قیام می کنند، و می گویند آنها رابه حقوقشان، حقوق طبیعی شان، آشنا سازند. و این وظیفه را از دادن نان و آب به آنها بیشتر لازم می شمارند. از کنفیوسوس هست که نقل میکنند: اگر به گرسنه ای یک ماهی بدهی او را یک وعده سیر کرده ای، ولی اگر به او شیوه سید ماهی بیاموزی، همیشه سیر خواهد بود. این کلاه نمدی های میرزاده عشقی، ساکن هر جا که هستند، پیش از آنکه محتاج قیوم سرپرست باشند، نیاز دارند کسی، حقوقی را که در جامعه دارند، به آنها بشناساند، و به آنها تعلیم دهد که چگونه باید از این حقوق برخوردار شوند. سقوط شاه مطرود بی آنکه محرمان جامعه و زحمتکشان، راه دفاع از آزادی خود را فراموش کنند، به منزله همان دادن یک وعده ماهی است. به آنها باید حقوقی را که متعلق به انسان است، و بی آن، زندگی فرد در جامعه، به زندگی ماهی در خشکی می ماند، به زندگی، پرده در فضای خالی از هوا می ماند، تعلیم داد تا فرد، از پشت ابرهای وقایع پیچیده جاری، یک رضاخان تازه، یک آریامیرو، یک ژنرال چهارستاره، یا حتی یک سروان توپخانه یا خلبان، نوك چکمه اش را زیر گلوی آنها فشار ندهد.

لایحه مطبوعات طرحی نه انقلابی، نه آگاهانه و مشکل گشا (۴)

تفتیش عقیده یعنی چه؟ آیا می توان به نام آزادی، حق نشر بیان و عقیده و غیر را محدود کرد، و به گرفتن «امتیاز» مشروط ساخت، و در شرایط تدوین اظهارنامه درخواست امتیاز از متقاضی خواست اصول فکری و اعتقادی و روش سیاسی خود را قید کنند؟ آیا خواستن از متقاضی امتیاز نشریه، که اصول فکری و اعتقادی و روش سیاسی خود را از پیش معلوم کند، چه معنا دارد؟ تفتیش عقیده که چیزی جز این نیست، حالا، و امروز، ممکن است به حسن ظن یک مقام مسئول وزارتتی اعتقاد کرد، ولی اصلاً وضع قانون برای آنست که دیگر مردم دلبره حسن ظن، و خلاف حسن ظن مسئولان را نداشته باشند. و قانونی که در آن، راه برای تفتیش عقیده، حتی پیش از شروع کار روزنامه نویسی، باز گذاشته می شود، خود نشانی است از فلسفه و سیاست حاکم بر سازمان تهیه کننده قانون. کسی که اعلامیه حقوق بشر، و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، و روح انقلاب ایران، او را در بیان عقیده و در نشر خبر آزاد شناخته است، اول مشروط میشود که برای نشر خبر امتیاز بگیرد، و بعد موظف می شود که قبل از انتشار نشریه «موضوع» اصول فکری و اعتقادی و روش سیاسی خود را تعیین کند. و نام این کار را هم آزادی مطبوعات می گذارند!

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات: لایحه قانون مطبوعات، آزادی نشر و بیان را در وضعی دشوارتر از سابق قرار می دهد

این تلگرام روزیکشنبه ۲۰ خرداد از طرف انجمن دفاع از آزادی مطبوعات در رد لایحه قانون مطبوعات به وزیر ارشاد ملی مخابره شد. جناب آقای دکتر میناچی وزیر ارشاد ملی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران آنچه به نام لایحه قانون مطبوعات منتشر شده است نه تنها آزادی مطبوعات را تامین نمی کند، بلکه آزادی نشر و بیان را در وضعی بسیار دشوارتر از سابق قرار می دهد. در قوانین اساسی بسیاری از ملل از جمله کشور همسایه مان ترکیه و نیز

مجلس مؤسسان و گروه های سیاسی

سازمان مجاهدین خلق طی یک مانیفست مشروح اعلام کرد: نقض حقوق گروه های مختلف اجتماعی معنایی جز استقبال از درگیری های آینده ندارد حضور نمایندگان همه گروه های اجتماعی در مجلس مؤسسان اجتناب ناپذیر است

جمعیت اتحاد برای آزادی و استقلال:

اینگونه ملی کردن به منزله آنست که دولت بدهی بانکهای خصوصی را ملی کرده باشد

● ملی کردن بانکها، شرکت های بیمه، موسسات بزرگ مالی و صنعتی و زمینهای وابسته به سرمایه های بزرگ ضروریست ● بدست گرفتن مدیریت بانکها نمی تواند اقدام کافی جهت تامین منافع زحمتکشان باشد

روز جمعه بدعوت حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان برگزار میشود تظاهرات عمومی برای دفاع از آزادی و مبارزه با انحصار طلبی

دعوت حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران به تظاهرات عمومی، برای دفاع از آزادی بیان و عقیده و مطبوعات، و اسلام بدور از تعصب و انحصار طلبی، مورد تأیید سازمانهای سیاسی و اجتماعی قرار گرفت.

نکته و نگاه:

این دستور ستاد مرکزی کمیته موقت انقلاب اسلامی ایران را يك خواننده پیغام امروز برای ما پست کرده است: شماره ۲۶۷۲ تاریخ ۵۸/۳/۱ دفتر ازدواج و طلاق آقای ... چون طبق مقررات اسلامی حق طلاق با مرد است و قانون حمایت خانواده به امر امام خمینی ملغی می باشد، مستدعی است نسبت به جریان امر علی ... و اقدس ... رسیدگی و در صورت امکان اصلاح ذات البین فرمایید در غیر این صورت طلاق از طرف زوج، بلامانع است. ستاد مرکزی کمیته موقت انقلاب اسلامی ایران (محل نام و امضا) خودار، فقط روی یادداشتش نوشته است «نکته» و «نگاه» و ما، هر چه کردیم نکته را از نگاه جدا کنیم نشد.

بقیه در صفحه ۷

بقیه در صفحه ۷

مجلس موسسان

پایه از صفحه ۱

متن قسمت دوم بیانیه مجاهدین خلق چنین است:

نحوه انتخاب و ترکیب مجلس موسسان

باتوجه به اهمیتی که فوقاً در مورد مجلس موسسان تشریح نمودیم، طبیعی است که ترکیب و نحوه انتخاب آن نیز با نحوه انتخاب و ترکیب مجالس معمولی قانونگزاری متفاوت باشد. در انتخابات مجالس معمولی تعدادی افراد در هر شهر یا حوزه انتخابیه نامزد نمایندگی می‌شوند. افرادی که به گروهها و اقشار مختلف مردم تعلق دارند و لسی سرانجام در هر حوزه یکی از آنها که حائز بیشترین تعداد آرا شده انتخاب می‌شوند. این ضابطه ایست که اقلیت به آن تن داده و آن را پذیرفته است، چرا که میدانند هر کس هم انتخاب شود بر طبق اصول قانون اساسی که از پیش مشخص است و در چارچوب آنها کار می‌کند.

اسلامی، اقلیت ولو که هم‌مقام و هم‌عقیده با اکثریت نباشد حقوق انسانی‌اش در همه حال محفوظ است.

نتیجتاً می‌توان گفت که اگر موسسان می‌خواهد اساسی‌ترین و مهم‌ترین اصول و روابط حاکم بر تمامی مردم را مشخص کند، تنها با اشتراک نمایندگان تمامی آن مردم، واجد معنای واقعی خود شده و از اصالت، مشروعیت و حقیقت لازم برخوردار میگردد. پس اگر مردمی با پایگاه‌ها و برداشتهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره میخواهند لاقلاً برای یک چشم‌انداز مشخص هم که شده در کنار یکدیگر در صلح و صفا زندگی کنند، و اگر یکی از این اقتدار یا احزاب قصد سرکوب سایرین و منحصر کردن همه چیز را بخودش ندارد، ضرورتاً بایستی با نمایندگان سایرین گردهم آمده و آنگاه با توافق اکثریت نظام جدید را پایه‌ریزی و تأسیس نمایند. باین ترتیب اکثریت، هم اقلیت را به پذیرش مختارانه خطوط حرکت سیاسی و مرامی اکثریت قانع نموده و هم در قبال آن مشروعیت می‌یابد.

دست نزدن به قیام مسلحانه و تعرض به دین مبین، علی‌الاطلاق برسمیت شناخته شده است.

بدلیل همین ضرورت‌های حیاتی که فوقاً تشریح کردیم بود که نخستین مجلس مشروطه که بایستی آن را نخستین موسسان نیز نامید با ترکیب مشخص صنفی و طبقه‌ای ایجاد شد. این همان مجلسی است که قانون اساسی را که آن زمان «نظامنامه» نامیده میشد تصویب کرد (سال ۱۲۸۵ هجری شمسی).

نگاهی به ترکیب ۶۰ نماینده تهران در این مجلس مطلب را کاملاً روشن می‌کند:

شاهزادگان و قاجاریان ۴ تن - علماء و طلاب ۴ تن - بازرگانان ۱۰ تن - زمینداران و کشاورزان ۱۰ تن - پیشه‌وران ۳۲ تن - باینترتیب علیرغم نظام فاسد سلطنتی، اقتدار پایین جامعه به برکت انقلاب خود توانستند در دروی عین‌الدوله‌ها و احتشام - السلطنه‌ها حرف‌هایشان را بزنند. در فهرست اسامی نمایندگان بازاریان و اصناف منجمله بزرگ سقط فروش، یک بنکدار، یک بلورفروش، یک معمار، یک زرگر، یک بقال، یک سمسار، یک دلال، یک ساعت ساز،

های حق و حقوق گروه‌ها دست‌ها و اصناف مختلف اجتماعی در عمل معنائی جز بیجان خریدن در دسر های بعدی و فراهم کردن اسباب مناقشه و خصومت و استقبال از درگیری‌های آینده، ندارد.

۱۵ قرن پیش علی علیه‌السلام نیز که دمی از تکاپو و جهاد بخاطر استقرار تاریخی جامعه بی‌طبقه توحیدی فارغ‌نبوده، قوام و بالندگی توحیدی اجتماع باقی دوران خود را در رعایت کامل حدود و حقوق طبقات و اقشار و اصناف مختلف مردم شمرده که هیچیک از دیگری بی‌نیاز نبوده و آموزشان جز با مراعات یکدیگر اصلاح نخواهد شد. (نامه علی علیه‌السلام به فرمانداری مالک - اشتر در مصر):

از مجموع این مطالب می‌خواهیم نتیجه بگیریم که امروز نیز یک موسسان صددرصد واقعی فقط با دعوت کردن از نمایندگان گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و قومی و نژادی مردم امکان‌پذیر است.

واما اگر بدلیل گسترش و وسعت گروه‌ها و اصناف و اقشار مختلف مردم تشکیل چنین مجلسی را سخت و یا حتی غیر ممکن بدانیم، در اینصورت می‌توان موسسان واقعی مورد نظر را به بهترین صورت از طریق شورا های مردم، جامعه عمل پوشاند. همان شوراهایی که به مصداق: «امرهم شوری بینهم» (امور آنها با مشورت اداره میشود) و «و مشاورهم فی الامر» (و در اداره امور با آنها مشورت کن).

... از آغاز در زمرهٔ مهم‌ترین خواسته‌های مجاهدین خلق ایران و بسیاری از گروه‌های برادر مسلمان نیز بوده است.

به همین دلیل ما سایر گروه‌ها از اینکه چندی پیش حضرت آیت‌العلی‌امام خمینی، به پیشنهاد حضرت آیت‌الله العظمی طالقانی را مبنی بر ایجاد انجمن‌ها و شوراهای سراسری در هر ده و بخش و شهر و استان تأیید نمودند، و فوق‌العاده خرسند شده و مراتب را بلادرنگ به ایشان تهنیت گفتیم.

بخصوص که شخص حضرت آیت‌الله العظمی طالقانی که مورد اعتماد تمام مردم ایران هستند مسئولیت اجرایی طرح شوراهارا بفرمان امام تقبل نمودند. طرخی که اگر اجرا می‌شد تنها چاره سیاسی باز شدن گره‌های امروز مایمی بود و می‌توانست در یک چارچوب متناسب انقلابی و اسلامی به درد های همهٔ دردمندان و مشتاقان آزادی و استقلال این سرزمین رسیدگی کند. در چنین شورهایی نمایندگان دستجات و گروه‌های مختلف مردم می‌توانند همه مسائل را مطرح و برای حل آنها چاره‌جویی کنند.

فدایی در سنج در رابطه با گردهمایی دیروز سنج اعلامیه‌های منتشر کرده. متن اعلامیه چنین است:

مردم مبارز کردستان، در شرایطی که امپریالیزم پایه‌های ست شده خود را توسط عناصر وابسته به خود، محکمتر می‌کند و در حالی که حقوق کارگران و زحمتکشان به وسیله فتوادلها و مرتجعین سرسپرده به رژیم سابق پامال می‌شود، شاهد تلاشهای کسانى همگیم که مزرانه بسوی قدرت خزیده و خود را نماینده خلق کرد می‌نامند. در صورتی که خود حامی کسانی هستند که در منطقه قتل و غارت مردم می‌چیرد از زند. اینها همان کسانی هستند که حضور مسلحانه قیاده سوقت، عامل امپریالیزم، را در کردستان انکار کرده و غصب زمینهای دهقانان و آواره شدن آنها را نادیده می‌گیرند. حال قضاوت را به عهده مردم رزمنده کردستان می‌گذاریم.

آیا آنها با چنین خصوصیات می‌توانند خواسته‌های اساسی خلق کرد را که حق تعیین سرنوشت و رفع ستم ملی و طبقاتی است تحقق بخشند؟

تجمع ضد کردی سنج
را افشا کنیم
«شورای هم‌آهنگی جمعیت های کردستان ایران» از کلیه

هواداران چریک‌های فدایی در سنج:

حامیان «قیاده سوقت» نماینده خلق کرد نیستند روحانیون بانه اجتماع سنج را تحریم کردند

بانو - خبرنگار پیغام امروز روحانیون بانه اعلام کردند که از حضور در کنفرانس سنج خودداری کرده و خواهان تهیه مقدمات و انتخاب نمایندگان شهرستانها برای تشکیل کنفرانس دیگری هستند.

در نامه این گروه آمده است: تصویب شکل خودمختاری و سپس تقدیم پیشنهادات بدولت، وقتی صحیح است که تصویب کنندگان، نماینده بحق خلق کرد باشند. و این شیوه انجام پذیر نیست، مگر اینکه هیات نمایندگی از تمامی شهرستانهای کردستان و از طرف یک مکان جمع شده و در عین حال هر یک از افراد هیات نمایندگی با دست‌پراز چکیده آراء مردم منطقه خود به محل اجتماع بروند چون کنفرانسی که از طرف عده‌ای، در ۲۰ خرداد دعوت به تشکیل آن در شهرستان سنج شده، مسبوق به شرایط و مقدمات فوق نیست، ما علما و روحانیون منطقه بانه از شرکت در آن خودداری کردیم.

حامیان «قیاده سوقت» نماینده خلق کرد نیستند

دفتر هواداران چریک‌های فدایی در سنج در رابطه با گردهمایی دیروز سنج اعلامیه‌های منتشر کرده. متن اعلامیه چنین است:

مردم مبارز کردستان، در شرایطی که امپریالیزم پایه‌های ست شده خود را توسط عناصر وابسته به خود، محکمتر می‌کند و در حالی که حقوق کارگران و زحمتکشان به وسیله فتوادلها و مرتجعین سرسپرده به رژیم سابق پامال می‌شود، شاهد تلاشهای کسانى همگیم که مزرانه بسوی قدرت خزیده و خود را نماینده خلق کرد می‌نامند. در صورتی که خود حامی کسانی هستند که در منطقه قتل و غارت مردم می‌چیرد از زند. اینها همان کسانی هستند که حضور مسلحانه قیاده سوقت، عامل امپریالیزم، را در کردستان انکار کرده و غصب زمینهای دهقانان و آواره شدن آنها را نادیده می‌گیرند. حال قضاوت را به عهده مردم رزمنده کردستان می‌گذاریم.

آیا آنها با چنین خصوصیات می‌توانند خواسته‌های اساسی خلق کرد را که حق تعیین سرنوشت و رفع ستم ملی و طبقاتی است تحقق بخشند؟

تجمع ضد کردی سنج
را افشا کنیم
«شورای هم‌آهنگی جمعیت های کردستان ایران» از کلیه

لیکن در انتخابات موسسان، یعنی مجلسی که باید همان اصول را مشخص کند وضع فرق می‌کند. در اینجا چون بحث از پایه‌ریزی و بنیادگذاری است، دیگر عادلانه نیست که هیچ طبقه یا گروه قابل توجه اجتماعی، از داشتن نمایندگی خاص خود محروم شود. بصارت دیگر ما نمی‌توانیم به قشر بخصوصی بگوییم چون حائز اکثریت نیستند در بنای جامعه‌ای که میخواهد در آن زندگی کنید و مشخص کردن اصول و معیارهای آن، شرکت نکنید.

عادلانه نیست که هیچ طبقه یا گروه قابل توجه اجتماعی از داشتن نمایندگی خاص خود محروم شود

ما نمی‌توانیم به قشر بخصوصی بگوییم چون حائز اکثریت نیستند در مشخص کردن اصول و معیارهای جامعه‌ای که می‌خواهید در آن زندگی کنید، شرکت نکنید.

کیست که نداند پذیرش‌های جبری و کراهت‌ها بار بعدا به خشن‌ترین صورت عکس‌العمل خود را آشکار می‌کند.

هر قرارداد و عقد تحمیلی و جبری و غیرارادی که مسئولیت و اختیار نوع آدمی را نقض کرده باشد خودبخود منتفی و باطل و ناعبیر است.

مطابق انسان‌شناسی اسلامی اقلیت ولو که هم‌مقام و هم عقیده با اکثریت نباشد حقوق انسانی‌اش در همه حال محفوظ است

یک مجلس موسسان صد درصد واقعی فقط با دعوت کردن از نمایندگان گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و قومی امکان پذیر است

اجرای طرح آیت‌الله طالقانی در مورد شوراهای سراسری تنها چاره سیاسی باز شدن گره‌های امروز ماست

در موسسان، گروه‌های مختلف عقیده یا مختلف السلیقه همچنین باید مشخص کنند که هر یک چه حق و حقوقی دارند و در صورت بروز اختلاف بر سر این حقوق به چه مرجعی تن خواهند داد و به چه نظمی گردن خواهند گذاشت. آنها باید مشخص کنند که قوای مملکت از کجا ناشی میشود، چگونه تقسیم می‌شود و در دست چه مؤسسات یا افرادی قرار می‌گیرد.

اختلاف عقیده‌ها و سلیقه‌ها و برداشتها یک واقعیت است. رسیدن به وحدت هرگز با کتمان اختلاف محقق نمی‌شود. بعکس بایستی اختلافات را گام بگام در یک چارچوب مورد توافق، تا آنجا که ممکن است بطور مسالمت‌آمیز حل نمود و یابه حل نزدیک کرد. بهمین دلیل بود که حتی در قانون اساسی هفتاد سال پیش مشروطه نیز مشخص شده بود که قوای مملکت ناشی از ملت است (اصل ۲۶ متمم قانون اساسی) و تصریح شده بود که حق سلطنت به مثابه یک ودیعه الهی!! از طرف ملت به شخص پادشاه تفویض میشود (اصل ۳۵ متمم قانون اساسی). ملاحظه مگر در دههٔ بن ملت و شاه، به ملت اصالت داده شده که معنی آن اینست که اگر بین ملت و شاه اختلاف بنفته، این شاه است که بایستی کنار برود.

و نیز در همین قانون است که آزادی اجتماعات و احزاب (اصل ۲۶ متمم) و مطبوعات (اصل ۲۰) نامرکز چریکه‌دار نکردن عفت عمومی

که از حقوق حتمی ملت ایران است تا همین خواهد کرد. و بدین ترتیب مطبوعات به قانون جداگانه‌ای نیاز نخواهد داشت و از حیث تخلفات تابع قانون جزائی خواهد بود که بر اساس قانون اساسی جدید به تدوین و تصویب میرسد.

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات لایحه قانون مطبوعات را مطلقاً مردود می‌داند و از جناب عالی تقاضا می‌کند که این لایحه را کلان‌میکن اعلام نمایند.

در این اعتراض کردند. پلاژداران در این تظاهرات ضمن دست داشتن پلاکاردهایی در اعتراض به این طرح که از طرف مهندس حسین‌خان فرمادار این بندر اعلام شده بود، خواستار آزادی شنا در ساحل انزلی و تغییر طرح حسین‌خان شدند.

در این اعتراض کردند. پلاژداران در این تظاهرات ضمن دست داشتن پلاکاردهایی در اعتراض به این طرح که از طرف مهندس حسین‌خان فرمادار این بندر اعلام شده بود، خواستار آزادی شنا در ساحل انزلی و تغییر طرح حسین‌خان شدند.

از انسان شناسی توحیدی اسلام ناشی میشود، مبین‌عالیترین درجهٔ احترام و بزرگداشت مکتب ما در حق نوع آدمی است. بزرگداشتی معطوف به طینت آزاد انسانی صرف نظر از هر تعلق قومی و نژادی و مرامی و... اینجاست که علی‌علیه‌السلام در رعایت حقوق جمع هموعان و بخصوص آنها که با ما هم‌عقیده و مرام نیستند چه بسا در اقلیت هم، از دارند می‌گوید:

فانهم صنفان: اما اخ‌لک فی الدین، و اما نظیر لک فی الخلق

پس آنها در دست‌هاند: یا برادر عقیدتی و ایدئولوژیک تو هستند یا در خلقت (انسانی) نظیر تو اند. بنابراین مطابق انسان‌شناسی

انجمن دفاع

نقشه از صفحه ۱

لایحه قانون مطبوعاتی که مغایر آزادی‌های اساسی ملت ایران و دستاورد های انقلاب است، آنهم با مهلت ده روزه عجیب و غیر قابل انتظار به نظر میرسد. بدون شک قانون اساسی آینده ایران با تصریح ممنوعیت امتیاز و مانسور و نیز منع توقیف و تعطیل خودسرانه مطبوعات، آزادی نشر و بیان را

که از حقوق حتمی ملت ایران است تا همین خواهد کرد. و بدین ترتیب مطبوعات به قانون جداگانه‌ای نیاز نخواهد داشت و از حیث تخلفات تابع قانون جزائی خواهد بود که بر اساس قانون اساسی جدید به تدوین و تصویب میرسد.

انجمن دفاع از آزادی مطبوعات لایحه قانون مطبوعات را مطلقاً مردود می‌داند و از جناب عالی تقاضا می‌کند که این لایحه را کلان‌میکن اعلام نمایند.

در این اعتراض کردند. پلاژداران در این تظاهرات ضمن دست داشتن پلاکاردهایی در اعتراض به این طرح که از طرف مهندس حسین‌خان فرمادار این بندر اعلام شده بود، خواستار آزادی شنا در ساحل انزلی و تغییر طرح حسین‌خان شدند.

در این اعتراض کردند. پلاژداران در این تظاهرات ضمن دست داشتن پلاکاردهایی در اعتراض به این طرح که از طرف مهندس حسین‌خان فرمادار این بندر اعلام شده بود، خواستار آزادی شنا در ساحل انزلی و تغییر طرح حسین‌خان شدند.

در این اعتراض کردند. پلاژداران در این تظاهرات ضمن دست داشتن پلاکاردهایی در اعتراض به این طرح که از طرف مهندس حسین‌خان فرمادار این بندر اعلام شده بود، خواستار آزادی شنا در ساحل انزلی و تغییر طرح حسین‌خان شدند.

وحدت در عمل مقدم بر وحدت در کلامه

وحدت در عمل مقدم بر وحدت در کلامه

وحدت در عمل مقدم بر وحدت در کلامه

وحدت در عمل مقدم بر وحدت در کلامه

وحدت در عمل مقدم بر وحدت در کلامه

وحدت در عمل مقدم بر وحدت در کلامه

مقالات

کتر کسی است که قدری با جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی ما آشنایی داشته باشد و تاکنون از نفاق افکنی‌هایی که تحت نام «مذهبی» و «غیرمذهبی» در درون جنبش دامن زده میشود متاثر نباشد، و کمتر کسی است که کوچکترین علاقه‌یی به پیروزی نهضت دمکراتیک و استقلال طلبانه خلقهای ایران داشته باشد و ضررهای جبران ناپذیری که این قبیل شکافها به انقلاب ما و اتحاد و یک پارچگی آن زده است نداند. این مسئله پیوندی لاینفک با امر اتحاد کلیه نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی علیه امپریالیسم را داشته و جایگاهی بسیار مهم دارد و در نتیجه حال که این شکافها ابعاد جدیدی پیدا کرده و زخم کهنه دوباره سر باز کرده است و کسانی هم بدون احساس مسئولیت و انگیزه‌های عمیقاً ضد انقلابی و ارتجاعی بر آن نمک می‌پاشند، جاداره که همه بخش‌های جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی در جهت تحکیم اتحاد نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی و از موضع تحکیم

دمکراتیسم انقلابی معیار وحدت همه نیروهای ضد امپریالیست

همبستگی خلق در رده حفظ دستاوردهای جنبش خلق برخوردار نموده و از همه سو برای برطرف کردن این مشکلات بکوشند. شک نیست که میان نیروهای مذهبی و مارکسیست، میان اسلام و مارکسیسم اختلاف وجود دارد و بازم شک نیست که این اختلافات ریشه‌های طبقاتی و ایدئولوژیکی داشته و عرصه‌های مختلفی را در بر میگیرد. و کسی هم انتظار ندارد که اختلاف وجود نداشته باشد، ولیکن نکته مطلب در جایگاهی است که این اختلافات در عرصه جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی ما اشغال میکنند و در چگونگی برخوردی است که نیروهای مختلف به این اختلافات می‌نمایند. میشود از این اختلافات پنهانی برای تفرقه‌اندازی در نهضت دمکراتیک خلق تراشید و به جنبش متحد مردم ضربه زد و بجای صبوری همه مردم در مقابل ارتجاع، اجزای مختلف جنبش را در مقابل یکدیگر قرارداد و بیگان مبارزه را بجای نشانه روی به طرف امپریالیسم و وابستگان داخلی‌اش بسوی مردم گرفت و یا میشود که این اختلافات را در مجرای اصولی و درست و در چارچوب درون خلق و همواره یاد رنظر گرفتن منافع جنبش متحد خلق به بحث و بررسی گذارد و در نتیجه نه تنها به جنبش ضربه نرزد بلکه آفرینی نیز بخشد. اصل مطلب در این دونوع برخورد است و در هر یک بطور اجتناب ناپذیری پیروی از آن دیگری را بدنبال دارد و راه سومی نیز نیست.

جامعه ما، یک جامعه طبقاتی و جنبش دمکراتیک مانین یک جنبش طبقاتی است که در آن اقتدار و طبقات مختلف خلق که در انقلاب دمکراتیک ایران دارای اشتراک منافع هستند، شرکت دارند. گرچه هر یک از اقتدار و طبقات خلقی شرکت کننده در جنبش دمکراتیک دارای منافع طبقاتی خاص خود و خواسته‌های ناشی از آن هستند، ولیکن کلیه این خواسته‌ها تابع اهداف انقلاب دمکراتیک و استقلال طلبانه خلق بوده و تحت الشعاع آن می‌باشند. طبقاتی بودن نهضت دمکراتیک موجود ایدئولوژیها و دیدگاههای مختلف اجتماعی را نیز در درون جنبش اجتناب ناپذیر می‌نماید و اقتدار و طبقات مختلف خلقی زیر پرچم ایدئولوژی و دیدگاه اجتماعی خاص خود در این انقلاب شرکت می‌نمایند. اما بیگان ترتیب که خواسته‌های مشخص هر قشر و طبقه‌یی تحت الشعاع و تابع اهداف و خواسته‌های اساسی انقلاب دمکراتیک است، ایدئولوژیها و دیدگاههای مختلف اجتماعی شرکت کنندگان در این انقلاب نیز در خدمت پیشبرد اهداف اساسی آن بوده و نمی

تواند در تضاد با آن قرار گیرد و این مناسبات و دیدگاههای مختلف ایدئولوژیک و فلسفی و... تا زمانی مرقی و خلقی هستند که در خدمت انقلاب باشند و چنانچه در تضاد با آن قرار گیرند، دیگر جای برایشان در صفوف جنبش دمکراتیک و استقلال طلبانه خلق نخواهد بود و این امر در ارتباط با خواسته‌های مشخص هر قشر و طبقه شرکت کننده در این انقلاب نیز صادق است. تحکیم و قوام بخشیدن به جنبش دمکراتیک و استقلال طلبانه خلق، بمعنای تحکیم همبستگی هر چه بیشتر کلیه اقشار و طبقات خلقی در مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی بوده و هر عملی که

بر علیه دشمنان مردم ایران است. در جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی ما، پیوندی که بر این پایه استوار نباشد مفت نیمازود و کسانیکه به این قبیل پیوندها بیش از اشتراک منافع در نبرد مشترک علیه امپریالیسم و دیگر دشمنان قسم خورده زحمتکششان به امید دهند، در عمل مستحق خودا می‌ریزند. آن دسته از مسلمانان مبارز که در مقابل امپریالیسم و سازشکاری برخی سره‌های شناخته شده تنها به این دلیل که «بارک» مسلمانان دارند سکوت «مصلحتی» اختیار می‌نمایند و اگر هم حرف می‌زنند با هزار کایه و اشاره منظورشان را می‌رسانند، اما مانیکه مارکسیستهای انقلابی می‌رسانند، از هیچ تبیست و نارواگویی آشکار پرهیز نمی‌نمایند، باید از خود پیرسند که آیا این اصالتشان در خدمت تحکیم وحدت جنبش انقلابی خلق است و از این زوایه گفته شده است و یا در خدمت تضعیف اتحاد این صفوف و مخدوش کردن آن می‌باشد.

نه در انتخاب دین اجباری هست و نه در انتخاب مارکسیسم. در عرصه جنبش دمکراتیک نه مسلمانان باید پیش شرط اتحاد جنبش را پذیرش اسلام قرار دهند و نه مارکسیستها باید پذیرش مارکسیسم را پیش شرط قرار دهند. زیرا قبول هر ایدئولوژی و دیدگاه فلسفی و انانلم یک امر خصوصی بوده و منوط به انتخاب آزادانه و نه اجباری فرد است. در قرآن آمده است که «اکرام فی الدین»، (در انتخاب دین اجباری نیست) و متون مارکسیستی نیز در زمینه آزادانه بودن پذیرش مارکسیسم شک و شبیه‌های بجای نمی‌گذارد آن مسلمانانی که پذیرش اسلام را شرط مبارزه مشترک بر علیه امپریالیسم قرار میدهند، علاوه بر ضربه زدن به اتحاد جنبش نشان داده است که درک درستی نیز از اهداف آن ندارد. برای مبارزه علیه امپریالیسم و شرکت در یک جهاد واحد ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی تنها یک معیار پذیرفتنی است، دمکراتیسم انقلابی.

آذر احوالی

درین صفحه مقالات و نامه‌هایی از خوانندگان دوستان پیغام امروز منتشر می‌شود که در عین داشتن لایق مشترک با روزنامه مدافع آزادی و استقلال عقیدمیسی - چه بسیار دانشمندی آنها از مسائل باطنی ما یکی باشد و ما به حرمت آزادی عقیده، این نظرهارا منتشر می‌کنیم.

با کدام معیارها حق قضاوت زنان را سلب می‌کنند؟

تک مرحله‌ای بودن جواب گوی نیازهای اس و ز جامعه ایران می‌باشد؟
۲- آیا قضاوت مرد ما مجتهدین جامع الشرایط هستند و اگر مجتهد جامع الشرایط بودن کافی برای رسیدگی به امر قضا باتوجه به نهاد های امروز جامعه ایران می‌باشد، چرا در دادگاه‌های انقلابی از قضاوت تحصیل کرده استفاده می‌شود؟
۳- از نظر کفایت مازنان قاضی داریم که در سطح بهترین قضات مرد می‌باشند علاوه بر محیط فعالیت اجتماعی کاملاً مردانه ما می‌باشد که کوچکترین حرکت زنان زیر نرده بین مسئولین قرار می‌گیرد. اما هیچک ار خطاها، اعمال خلاف قانون و نقض حقوق انسانی بوسیله مردان را حتی در حد ذکر هم نمی‌دانیم.

بر حسب آگهی وزارت دادگستری که بر طبق آن لیسانسه‌های حقوق قاتاریخ ۱۴ خردادماه مهلت ثبت نام در امتحان ورودی دوره ۲۴ کارآموزی قضائی را دارند، برای ثبت نام مراجعه کردیم. مسئولین مربوطه با صراحت اظهار داشتند: که زنان را از کار قضائی کنار گذاشته‌اند. و در جواب سئوالات عدیده ما دال بر اینکه مسئولیت این همه نقض حقوق را چه کسی بسپرده می‌گیرد. اظهار داشتند: تصمیمی است که گرفته شده است. چرا ندارد. و نیروی هم ندارد که مسئولی داشته باشد.

و حال ما از طریق مطبوعات از مسئولین سئوال می‌کنیم. با کدام معیارها حق قضاوت زنان را سلب می‌کنند؟

۱- آیا رسیدگی در دادگاه های ماتک مرحله‌ای است و آیا

سخنی چند با فرماندهان ارتش

نظامی‌ها نمی‌توانند از قلمرو عقاید جاری جامعه دور بمانند

۲- وزارت دفاع ملی طی یک بخشنامه مدعی شده است که «وجود ایدئولوژی و عقاید متفاوت در ارتش... موجبات از هم پاشیدگی، ناامنی و بی ثباتی کشور را فراهم می‌کند. این «استدلال» نه فقط از نظر منطقی نادرست است و با اهداف بنیادی ارتش (البته ارتش یا ستوای مردمی) در تضاد می‌باشد، بلکه نمایانگر کوششی است برای تبدیل کردن یک مسئله قابل فهم به یک کلاف سردرگم. اولاً مدلول بخشنامه با عملکرد اجتماعی انسانها تضاد منطقی و نهادی دارد زیرا هر آنکس که بخواهد به عنوان یک انسان زندگی کند و زنده بماند مجبور است با محیط اجتماعی خود رابطه‌ای بنسود و بنامیک برقرار کند، مگر آنکه «فرماندهی کل» بخواهد و این «خواستنی» است که هیچ قدرتی در هیچ زمانی قادر به تحقق آن نشده است تمامی پرسنل نظامی از هر رده و ردیفی را دائم المر در سلول های انفرادی از نوع «ارین» در زندان نگهدارد. واقعیت این است که پرسنل نظامی به محض خروج از یادگان، برای بقای حیات، مجبور است با خانواده‌اش، فامیلش، «سایگانش»، عرضه کنندگان مواد و وسایل زندگی در مناسبات متقابل قرار گیرد و در این رابطه، ضرورتاً یک رشته تأثرات و تبدلات فکری حاصل می‌آید. پرسنل نظامی بنا بر ریشه های طبقاتی و موقعیت اجتماعی، برداشت معین و خاصی از این تأثرات و تبدلات می‌گیرد و این برداشت را بدرون یادگان می‌برد و، خواه و ناخواه، آنرا به دیگران عرضه می‌کند. برای اثبات صحتش به بحث می‌نشیند و در جریان دفاع، از برداشت های دیگران متأثر می‌شود و متقابلاً تأثیر می‌گذارد. این است حرکت سدها شدنی تکوین، رشد و مبادله‌ی ایدئولوژی‌ها و عقیده‌ها - آنچه در این رابطه جالب است. تناقض «استدلال» فکلی با «ادعا»ی قبلی «فرماندهی» ارتش است. قبلاً نه یک بار که ده‌ها بار اعلام شده بود که پیروزی سریع انقلاب از بیداری ارتشی‌ها ناشی شده و در ارتش شاهنشاهی فقط مشتی از سران به منافع ملی خائن بوده‌اند. این ادعا تا آنجا که مربوط به خصالت مردمی و بیداری انفرادی گروه قابل ملاحظه‌ای از لایه های پائین ارتش است (و مردم نمونه‌هایش را در روزهای ۲۶ و ۲۷ بهمن ۳۷ به چشم دیدند) - و فقط در این حد محدود - درست می‌باشد ولی این نیز کاملاً درست است که تمام توان ساواک و سیاطی‌دها سال صرف این می‌شد که حتی روزنه‌ی کوچکی هم برای نفوذ این

«خصالت» و «بیداری» در چهار دیواری ارتش، بوجود نیاید. وقتی ارتش «شاهنشاهی» با ده‌ها هزار «مستشار» خارجی و هزاران «شبهک» ضد اطلاعاتی، توفیق دلخواه پیدا نکرد، شما که خواهان نفی و طرد این نیروهای اهریمنی هستید، چگونه موفق خواهید شد انسان های اونیفورم پوش را از فکر کردن و استنتاج منطقی مانع شوید؟ اصولاً چرا چنین قصدی دارید؟

ثانیاً «فرماندهی ارتش» معتقد است که فلسفه‌ی وجودی ارتش در بنیاد «دفاع از مرزها» تبلور یافته است، شما کدام «مکتب سیاسی» و کدام «حزب» یا «سازمان» طبقاتی را در تاریخ کشور ما سراغ دارید که هم اصیل و اجتماعی باشد و هم مخالف با تمامیت ارضی کشور. بدون شک همیشه و در همه جا، دارنده‌ی هائی بوجود می‌آیند که نه از چشمه‌ی فیاض خلقی های خود بلکه از فرمانهای دشمنان این خلقها نیرو می‌گیرند ولی این کسان مزدورند و مزدور را با حزب و سازمان اعلام شده رابطه‌ای نیست. محمدرضا و دارنده‌ی اش از این قماش بودند.

درست به همین علت بود که با هر گونه حزبیت اصیل انتقام جویانه کینه می‌ورزیدند، و عمل خود را از درون «ساواک» و «کمیته های ضد خرابکاری»، (سازمانهای ضد ایدئولوژی و ضد عقیدتی) دست چین می‌کردند. اگر درست است که همه‌ی اجتماعات سیاسی اجتماعی ما، از هر مسلک و مذهبی، مدافع خستگی ناپذیر تمامیت حاکمیت ملی و ارضی کشورند و در این راه هزاران و هزاران شهید داده‌اند، و اگر درست است که وظیفه‌ی اصلی و تنها وظیفه‌ی ارتش دفاع از مرزهاست، در این صورت چه جای وحشت است که پرسنل ارتش از این «مکتب‌های سیاسی» متأثر شوند؟ تاریخ گویای هزاران واقعه است که به صورت شهود عینی برضد این «استدلال» فرماندهان گواهی می‌دهند. چرا ارتش سهمگین هیتلر، در حمله‌ی ارتش سرخ به درون مرز های اصلی آلمان سریماد درم فرو ریخت؟ مگر نه برای آن بود که این ارتش از حمایت آگاهانه و عملی مردم محروم بود؟ چرا قوای هیتلر که در کوتاه مدت سراسر اروپا را به زانو در آورد، نتوانست حتی با اشغال قسمت مهمی از اراضی صنعتی و استراتژیک روسیه، ارتش سرخ را مانند ارتش سایر کشورها

شکست دهد؟ مگر نه برای آن بود که این ارتش حمایت بی دریغ مردم را به صورت هزاران گروه پارتیزانی پشت جبهه دریافت می‌کرد؟ ارتش «سپاه مدرن و مکانیزه» هیتلر شکست خورد برای آنکه پرسنل آن فاقد «ایدئولوژی و عقیده» ای بود که از درون مردم نشأت می‌گیرد. ارتش «سپاه عقب افتاده و بی نظم»، (توصیف از سلفان فاشیست است) شوروی فاتح نبرد گردید چون در هر واحد ارتش سرخ - چه کوچک و چه بزرگ - بطور دائم برای آموزش های ایدئولوژیک و سیاسی اهمیت درجه اول قائل هستند. ثانیاً این که می‌گوئیم خط مشی «فرماندهی» ارتش باعث میشود که مسئله‌ی ساده‌ی لزوم برقراری روابط متقابل ارتش و مردم، شکل بیچاپیج و رازگونی‌های پیدا کند برای آن است که در روشهای این فرماندهی تضاد و تضاد آشتی ناپذیر وجود دارد. به نمونه‌ای از این تناقض بپردازیم: چند روز قبل یکی از مقامات مسئول ارتش اعلام نمود که طبق یک برنامه‌ی تدوین شده، از احزاب و سازمان های سیاسی دعوت خواهند شد تا برای امتحان ارتش متقابل نظر و مشاوره به عمل آید و از عقاید و نقطه نظرهایشان استفاده شود. این اطلاعیه در عین اینکه برخلافی بودن و اصلت این احزاب و سازمانها رسماً صر تأیید می‌گذارد، ایجاد شک و تردید می‌کند. یا اگر اطلاعیه واقعا از جدی بودن و اعتقاد برخوردار است، پس وحشت فرماندهی از «تلاش ارتش» چه محلی از اعراب دارد؟ شما از یک طرف مردبین ایدئولوژی های مختلف و رهبران عقاید سیاسی گوناگون را به مشاوره می‌خوانید و از سوی دیگر هشدار می‌دهید که گویا وجود این ایدئولوژی‌ها و عقاید «موجبات از هم پاشیدگی ارتش» ناامنی و بی ثباتی کشور را فراهم می‌آورد». این تضاد را فقط به یک صورت می‌توان توجیه کرد: کادر فرماندهی ارتش تا آنجا که چاه پائین است که در مقابل «نفوذ» ایدئولوژی‌های مختلف مصونیت مطلق دارد و دستگاه عصبی‌اش پولادین و تائیر ناپذیر می‌باشد.

صمیمانه و قلباً قبول کنید که برادران ارتشی ما انسان‌های زنده‌ای هستند و چون انسان‌های زنده هستند باید از حقوق انسانی و از تمام آزادیهای سایر هموطنان خود برخوردار باشند. نا آگاهی و جهود فکری در حکم رحمی است که چنین استبداد را تقذیه می‌کند. بگذارید آگاهی‌های سیاسی باعث شود که بندهای استبداد برای همیشه پاره شود. اگر شما این اسکان را بوجود نیارید، آن پانزده هزار «متایل آمریکائی» محصولش را خواهند برد، چیزی که مرد ما را به نابودی خواهد کشاند.

ع.ا. محجوبیان

چندی پیش در پلی تکنیک تهران يك جلسه سخنرانی و بحث و گفتگو درباره مسأله ملی انجام شد. بخش اول این سخنرانی را به عنوان «حل مسأله ملی در گرو حل مسأله طبقاتی است» قیلا خوانده اکتون بخش دوم آن را که رونوشت نظرگاههای کلی درباره مسأله ملی است در این شماره می خوانید:

مسئله دیگری که ذکرش ضروری بنظر میرسد اینست که در دو دوره تاریخی متفاوت را طی کرده است، که آن تشخیص ویژگی های مسئله ملی در این دو دوره، حل آن امکان پذیر نیست. دوره اول مربوط است به رشد و پیشرفت سرمایه داری در سطح جهانی، دورانی که بورژوازی طبقه جهانی نقش مترقی بازی میکرد و رسالت داشت با سرمایه ماقبل سرمایه داری و فئودالیسم مبارزه و آنرا ریشه کن کند. در این دوران ما شاهد رشد و گسترش جنبش های ملی یاری در اروپای خاوری و باختری و کشورهای مختلف هستیم. سرمایه داری در حال رشد بود و خصلت مترقی داشت. در آن دوران برای جنبش های ملی در دست بورژوازی بود. بورژوازی با مبارزه با بخشهای پراکنده کشور و هدایت مردم مبارزه را علیه والیسم و قدرت حاکمه اشرافی و جهت استوار یک دولت کوی قوی به پیش می برد. اما با تکامل سرمایه داری به سرمایه ایسم و دوران گندیدگی سرمایه ها، مسئله ملی وارد دوره

طبقاتی و گنجاندن این بند در اساسنامه که فرقه متعلق به همه طبقات جامعه است، راه را برای نفوذ عناصر فئودال و مرتجع به درون فرقه باز گذاشت، و این خود در نهایت از علل شکست فرقه بود.

حق تعیین سرنوشت بمفهوم تجزیه طلبی نیست

آیا زمانیکه از حق تعیین سرنوشت صحبت می کنیم منظورمان اینست که جامعه را باید به چند قسمت تجزیه کرد؟ مسلماً این طور نیست و اصولاً خود دیدن مسئله از این زاویه است که به تجزیه طلبی کمک می کند. کسانی که حق تعیین سرنوشت برای ملل تحت ستم راه نوهی تجزیه طلبی تلقی می کنند، دانسته و یا ندانسته دارند تجزیه طلبی را تنها راه ممکن می سازند. وقتی از مسئله ملی صحبت میشود، در حقیقت از زدودن تمام نابرابریها صحبت میشود، مسئله اینست که یک ملت با خصوصیات ویژه اش حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و این به مفهوم تبلیغ تجزیه طلبی که نیست هیچ، بلکه به همراه خود اتحاد آگاهانه خلق های کشور مورد نظر را نیز ارمان دارد. در این رابطه لنین مثال جالبی دارد: «زمانیکه ما از حق طلاق صحبت می کنیم، بورژوازی تبلیغ میکند که ما میخواهیم کانون گرم خانواده را بیاشانیم و با این تبلیغات قصد دارد که بر نابرابریهای بین زن و مرد سرپوش نهد، ولی حق طلاق از نظر ما این مفهوم را دارد که ازدواج اتحاد آگاهانه بین زن و مرد

مسئله ملی و مبارزات طبقاتی (۲)

است، و بدین ترتیب کانون گرم خانواده نه با زور مرد علیه زن بلکه بشکل آگاهانه بنا شده است. به همین ترتیب زمانی هم که از حق تعیین سرنوشت برای ملل صحبت میشود، در حقیقت از اتحاد آگاهانه ملل مختلف صحبت شده است. ولی زمانیکه حق تعیین سرنوشت برای ملتی قائل نباشیم و بخواهیم با زور «وحدت» یک کشور را حفظ کنیم، یعنی آنچه که رضاشاه انجام داد محمد رضاشاه ادامه داد، بهترین زمینه برای رشد افکار تجزیه طلبانه فراهم ساخت، و این برای مرتجعین طلائی ترین فرصت است تا بتوانند از اساسات میهن پرستانه ملی و از خواستهای ملی ملت تحت ستم در جهت تجزیه طلبی سوءاستفاده کنند.

زمانیکه انقلابیون مسئله ملی را در رابطه با منافع زحمتکشان نبینند، به مبارزه طبقاتی در جامعه ننگرند و مرزهای طبقاتی را مخدوش سازند، آنکه در عمل رهبری را بدست میگیرد، مرتجعین خواهند بود، تا زمینه اضمحلال سیاستهای امپریالیسم را فراهم سازند. یعنی وقتی جنبش ملی برپا میشود، توده های تحت ستم آماده اند تا بر گرد خواستهای مشخصی تشکل یابند و طبیعی است که اگر انقلابیون طرفدار طبقه کارگر نتوانند در تعیین این خواستها از دیدگاه زحمتکشان تاثیر گذارند، بورژوازی نظری به قدرت و نیز سابقه خود خواهد توانست راه را برای امپریالیستها هموار سازد تا برای رقابت با یکدیگر به ماجراجویی در میان این ملل دست بزنند و بدنبال تحقق شعار «تفرقه بینداز و حکومت کن» بروند، بنگلادش يك نمونه از این موارد است. پس بار دیگر تاکید می کنیم که مسئله ملی حل نمیشود مگر در رابطه با مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم در کل کشور و در رابطه با مبارزه طبقاتی در چهارچوب خود آن ملت.

ویژگی ها مسئله ملی در ایران

در ایران نیز مسئله ملی در همان چهارچوبی که ذکرش رفت قابل بررسی است. یعنی کمک به ستم و گسترش انقلاب در کل جامعه، انحرافی که در اینجامی تواند حتی دامنگیر انقلابیون نیز بشود ندیدن منافع زحمتکشان در کل جامعه است. اینکه برخی از نیروها بخواهند تشکل-

های طبقه کارگر را در حصار خصوصیات ملی به بند کشند و مثلاً در پی آن باشند که حزب طبقه کارگر کردستان را ایجاد نمایند. این یعنی نیاندیشیدن به وحدت منافع طبقه کارگر و زحمتکشان در کل جامعه، انحرافی که در سایر نقاط جهان نیز بروز کرده و تشکل «بوندها» در روسیه که لنین بر علیه آن مبارزه بیامان داشت، شاهد تاریخی این مقوله است. در اینجا هم مبارزه علیه این انحراف برعهده عناصر و نیروهای آگاه طبقه کارگر است. مبارزه علیه رسوخ ایدئولوژی بورژوائی در صفوف کارگران و زحمتکشان، آنچه که در ایران در رابطه با مسئله ملی از ویژگی خاصی برخوردار است، همانا مسئله ارضی است. نمونه ترکمن صحرا را در نظر بگیرید، براساس آمارهای ارائه شده، قریب ۹۷ درصد اراضی آنها در دست دربار بوده است و یا در دست مالکین محلی، بعبارت دیگر دهقانان و اکثریت مردم در آنجا فقط از ۳ تا ۴ درصد زمینها را در اختیار داشته اند. مگر شدنی است که در آنجا بدون برخورد به این مناسبات، بدون کوتاه کردن دست سرمایه داران بزرگ و در دست گرفتن زمینها به شیوه های مقتضی، مسئله ملی را حل نمود. فجاجع کنید بوضوح نیروهایی را که در مقابل هم صف آرائی کرده اند را شناساند. - بگذریم از تبلیغاتی که میشود تا با «ماجراجوه جلوه دادن این یا آن نیروی مردمی سعی میشود به علل ریشه ای مسئله سرپوش گذاشته شود - نیروهایی که به تقابل هم رفتند از یکطرف عبارت بودند از شوراهای دهقانی، شوراهایی که بنا به خواست خود دهقانان ایجاد گشته بود و طبقاً سعی میکردند تا حاکمیت سیاسی خودشان را اعمال کنند و از طرف دیگر مرتجعین محلی، مالکینی که در آنجا هستند، عمال و بازماندگان رژیم پیشین که در کمیته ها و اجزاه مختلف ارکان دولتی نفوذ دارند، و دولت که با سیاست ماشاات جویانه خود در عمل جانب هدف دوم را گرفت، در کردستان نیز وضع به همین منوال است و عمده بودن مسئله ارضی در رابطه با ایجاد اتحادیه های دهقانی مختلف در سرپوان و سایر نقاط کاملاً مشهود است و بوضوح میتوان صف آرائی اتحادیه های دهقانی را که نیروها و جمعیتها و سازمانهای مختلف را در شهرهای مختلف کردستان در کنار خود دارد در مقابل قیاده موقت قرار داد - نیروهای مرتجع وابسته به امپریالیسم، که توسط سازمان جاسوسی سیا کنترل میشود و امروزه در اطراف مرپوان و شهرهای مختلف کردستان با نیروهای مسلح خودشان و با کمک مالکین و فئودالها و مرتجعین سعی در تضییق حقوق دهقانان آن منطقه دارند. و در همان حال مرتجعین محلی قرار دارند که دست به سازماندهی زده اند و در حال تشکل دادن به خودشان هستند. نمونه آن تشکیلاتی است که در سنقر یا نام اتحادیه کشاورزان و روستائیان یا شورای عشایری که نزدیک ۴۰۰ مالک بزرگ و مرتجع ملی در درون آن متشکلند. و یا دفتری که این مالکین و مرتجعین محلی در پیرانشهر درست کرده اند تا به سازماندهی نیروهاشان بپردازند. و همه آنها در رابطه با قیاده موقت و در وابستگی به امپریالیسم فعالیت می کنند. و همزمان با آن سیاست ماشاات جویانه دولت به عهده است که نه تنها اشاره ای به خطر قیاده موقت نمیشود، بلکه با فراهم آوردن تسهیلات جهت انتقال جسد بارزانی به منطقه حتی دست نوازش نیز بر سر قیاده موقت کشیده میشود، و آیا «ضد انقلابی» خواندن مردم ستمدیده منطقه و همزمان با آن پا دادن به نیروی ارتجاعی جز آب به آسیابه امپریالیسم ریختن معنی دیگری هم دارد. خطوط اصلی مسئله ملی در ایران در گروی تحقیقاتی است که باید همه نیروهای اصیل مردمی و انقلابیون در اندیشه دستیازیدن بدان باشند.

حیات خود شد. در این دوره بورژوازی خصلت ارتجاعی و عداوت بر استثمار طبقه کارگر و ظلم به زحمتکشان دیگر کشورهای دیگر نیز جهت دست یابی به مستعمران جدید بهم دارد. در این دوران نیز مسئله ملی کماکان مطرح است و با ماهیتی متفاوت. بدین مفهوم که در عصر امپریالیسم بورژوازی دیگر همانند سایر مسائل انقلاب دمکراتیک و ملی در به حل مسئله ملی نیست. و تنها طبقه کارگر قادر است با حل کند. توان جنبش های ملی در این دوره بستگی به میزان رکت زحمتکشان در آن دارد. بورژوازی در این دوره میخواهد اعمال سلطه خود بر جنبش های ملی به سطر و ایست سرمایه ای و کسب منافع خاص طبقاتی خود برسد. در حالیکه از دیدگاه طبقه کارگر و دمکراتیسم پیگیر طرح مسئله ملی در درجه اول، طرح مسئله زحمتکشان یعنی اکثریت قاطع ملل تحت ستم است و طبیعی است که طبقه کارگر نمیتواند و نباید به بیالتک نظرانه و ناسیونالیستی بورژوازی میدان رشد بدهد. ولی این حمایت طبقه کارگر از خواستهای بورژوازی علیه نابرابریهای ملی در هر صورتی که تجلی کند، نیست. از آنچه که گفته شد، میتوان این جمع بندی را ارائه داد: مسئله ملی در عصر امپریالیسم بخشی از انقلاب دمکراتیک و برابری طبقه کارگر است. مسئله ملی در این عصر حل نمیشود مگر با برخورد به امپریالیسم و توکران بومی آن رژیمهای س ستم. مسئله ارضی در درون اکثریت ملل تحت ستم، در رابطه با مسئله ملی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

مسئله ملی از مسئله انقلاب در کل جامعه جداشدنی نیست و هرگونه برخورد به مسئله ملی که بخواهد آنرا از مسئله انقلاب در کل جامعه جدا کند، برخوردی انحرافی است. نگاه مختصری به تحریکات تاریخی تأییدی است بر این ادعا. تجربه عراق علیه برای مایه ترین نمونه باشد، چراکه مسئله ملی در آن کشور يك سری دوره ای مشخص را طی کرده است. بعد از کودتا ۱۹۵۸ بظاهر مسئله آزادی و خود مختاری برای خلق کرد در نظر گرفته شد و در قانون اساسی بعد از کودتا آمد که اعراب با کرد همه در این سرزمین مشترکند. لیکن از آنجا که حل مسئله ملی در آنجا در پاسخ به مسائل ریشه ای جامعه و حل ریشه ای مسائل کل جامعه نبود از آنجا که از دیدگاه طبقه کارگر این مسئله نپرداخته بودند و نیز به این خاطر مسئله انقلاب در کل عراق زیر سوال بوده ارتجاع با یورش مجدد خود در سال ۱۹۶۱ تمامی دستاوردهای خلق کرد را که پس از سال ۵۸ بدست آورده بود، باز پس گرفت. انحراف حزب دمکرات کردستان عراق در آن دوره عبارت بود از ارتباط نوین مسئله ملی با مسئله انقلاب در کل جامعه عراق. حزب دمکرات بجای پاسخگویی به مسئله ریشه ای خلق کرد از آن جمله مسئله دهقانان و مسئله ارضی، به مسائل روتینائی پرداخت. مسائل جنبی مسئله ملی را مانند مسئله زبان و فرهنگ و غیره را عمده کرد و خواستهای از قبیل احداث دانشگاه آزاد در کردستان و اجازه تدریس به زبان کردی در مدارس را طرح کرد. همینجا به سیاست روتین یونسفهای عراق هم باید اشاره کنیم، که تحت عنوان اینکه «هرگونه تضعیف دولت تضعیف انقلاب است»، تحت عنوان اینکه «باید صلح برقرار شود» و شمارهایی نظیر آن در واقع سعی دارند که مبارزه خلق کرد را از رشد و گسترش بازدارند. و این چنین بود که با ندیدن ارتباط بین مسئله ملی و مسئله انقلاب در کل عراق، جنبش خلق کرد در عراق تحت سیطره فئودالها و رهبران عشیره ای از قبیل نیروهای مبارز و آلت دست امپریالیستها شد. گرچه اکنون گذشته به ایجاد تشکل های نوین پرداخته اند. ولی هنوز هم جنبش از بیراهه و انحراف پالایش کامل نیافته است. تجربه لریه دمکرات آذربایجان خودمان نیز نشان داد که چگونه لریه هم مبارزاتی که کرد، با مخدوش نمودن سرز

با کدام معیارها حق قضاوت زنان را سلب می کنند؟

راسدی کنند با کدام عمل انجام شده ای دماز ارج به مقام زن و حراست حقوق او میزنند؟ و آیا نسل مبارز و پالنده ای می تواند در قلمرو مادران مرتجع خورده ای پرورش یابد؟ ما نقض حقوق زنان را در هر سطحی و به هر شکلی نقض حقوق جامعه ایران می دانیم. نیسی از هر جامعه ای را زنان تشکیل میدهند هرگونه تعدی به حقوق آنان مسلماً تعدی به حقوق آن جامعه می باشد، و خط بطلان بر شعور جمعی و وجدان پیدار آن جامعه. و اما کار قضایی به دلیل ضربه پذیر بودن در کشور ما در راس هر کار زنان قرار دارد. نقض این حق شروی برای محروم کردن زنان از حقوق اجتماعی و با مال حقوق خصوصیشان می باشد. همه اینها واقیعات غیر قابل گذشتی است.

ما باین وسیله نقض حق قضاوت را شروی برای نقض حقوق و توهینی به جامعه زنان ایران در نتیجه به جامعه ایرانی می دانیم. آنچه تا بحال در مدت ۴ ماه بعد از انقلاب اعمال شده است، از نظرها به هیچ شکل با ادعاهای مقامات در مورد حقوق زنان تطابق ندارد. ما از همه مسئولین می خواهیم که نظر خود را صریحاً و از طریق مطبوعات درباره کارزن و بخصوص کار قضایی اعلام دارند.

گروهی از زنان لیسانسیه حقوق

بقیه از صفحه ۶

گفته شده است در قانون اساسی آینده همه حقوق زنان محفوظ خواهد بود. بطوریکه حتی می توانند به مقام ریاست جمهوری برسند! ما روزانه شاهدیم که زنان باید در هر قدم برای حفظ حقوق بدست آمده شان مبارزات پیگیری را از طریق انجمن ها، کمیته ها، و مطبوعات دنبال کنند و حتی تا این اندازه آنان را در سطح پایین تری از مردان قرار می دهند که با آسودگی تصمیم به کنار گذاشتن زنان از کار قضایی می گیرند و مسئولین حتی برای خودشان وظیفه ای نمی شناسند که جوابگوی معترضین باشند.

در شرایطی که ما هر روز عملاً شاهد نقض حقوق زنان می باشیم و الا جبار باید مستمع داعیه ارج به مقام زن و اعطای کامل ترین حقوق به او هم باشیم. جمع این همه تناقض به چه صورت ممکن است و آیا سلب حق قضاوت زنان هم جزئی از کلیه حقوق اعطاء شده به جامعه زنان ایران می باشد؟! و با این روایی که به پیش می رود. صحبت از ریاست جمهوری زن مصداق مثال معروف (سنگ بزرگ نشانه زدن است) می باشد؟

در نظامی که عملاً مهر تجر را بر پیشانی زنان و در نتیجه بر همه جامعه می کوبند و راه هر نوع فعالیت اجتماعی و پرورش شخصیت زن

خاطره قیام کارگران کوره پزخانه را زنده نگه داریم



۲۳ خرداد سالروز یکی از گسترده ترین، قهرمانانه ترین و درخشان ترین راه‌های کارگری ایران است که در آن روح زمندگی طبقه کارگر خود را آشکار کرد.

کارگران کوره پزخانه در قیام ۳۸، نشان دادند که گرچه بعلمت شرایط کار خود از امکانات سازمان یابی کمتری برخوردارند لیکن از سوی دیگر به سبب همان شرایط استثمار شدید و وحشیانه از نیروی انقلابی فراوانی بهره مندند.

کارگران کوره پزخانه در طول تاریخ خویش، مبارزات بی شماری داشته اند. از جمله این مبارزات افتخار آفرین قیامی است به رهبری وارطان، انقلابی قهرمان، این انقلابی بزرگ بعد از دستگیری، در زیر فقرات انگیزترین شکنجه ها یعنی سوراخ کردن مغز از با ته در راه آرمان کارگران ستمکش جان باخت. چنین شهادتی تنها نمایانگر میزان کینه سرمایه داران از انقلابیون طبقه کارگر و نمونه بارز آشتی ناپذیری طبقه استثمارگر با طبقه استثمار شونده است.

قیام خونبار ۲۳ خرداد ۳۸ از جمله این مبارزات آشتی ناپذیر طبقه ای است. مبارزاتی که تا به گور سپردن سیستم بهره کشی انسان از انسان ادامه خواهد یافت. سالهای ۳۸ تا ۴۲ دوره ای از تاریخ مبین ماست که اقتدار و طبقات مختلفی از توده ها برای پایان دادن به نظام وابستگی نکت بار به امپریالیسم، اینجا و آنجا بیاضاست و با دادن هزاران شهید گامی دیگر در به ثمر رساندن انقلاب برداشته اند.

این سالها یک دوره بحرانی برای سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است. بحران اقتصادی و سیاسی رژیم پس از سرکوب مبارزات سالهای ۳۲ زمینه مناسبی را برای حرکت انقلابی در سطح جامعه بوجود آورد. اعتصابهای کارگری، اعتراض های پی در پی روشنفکران و به خصوص دانشجویان، بیاضاستن اشرافیان جامعه که در قیام پرشکوه ۱۵ خرداد به اوج رسید همه در یک خط و پایک هدف حرکت می کردند. توده ها در اصل می خواستند به نظام گذشته پایان دهند و خود را از یوغ استثمار می رویه برهانند، تمام این مبارزات با وجود داشتن عنصر قهر در عالی ترین شکل خود، به نتیجه فرسیدند و این امر درسی بزرگی می توانست به تمام انقلابیون بدهد و آن اینکه بدون وجود تشکیلات مستحکم انقلابی کارگری که بتواند همه خلق ها را رهبری کند، مبارزات شوریدگی قادر به تأمین پیروزی نهایی برای خلق نخواهد بود.

ما برای گرامی داشت خاطره قیام خونبار ۲۳ خرداد ۳۸ گزارشی از شرایط کار کارگران کوره پزخانه با استفاده از جزوات منتشره مانند تحقیق دانشجویان دانشگاه صنعتی، «قیام کارگران خشتال» و «کوره پزخانه» تهیه کرده ایم که می خوانید:

کار کارگران کوره پزخانه یکی از شاق ترین کارهایی است که می توان تصور کرد. محیط کارگران آکنده از دود و گرد و غبار است. کارگران در این فضای مسموم لحظه به لحظه به مرگ نزدیک تر می شوند و در پیش چشم جامعه ای که بر اساس قبول این بیرحمانه ترین شکل بهره کشی قرار دارد تاب می گردند. آنان فاقد ابتدائی ترین ضروری ترین وسایل برای گذران زندگی هستند، خانه های گلی آنان یا بهتر بگوئیم آلوک های آنان چون لانه هایی است که هیچ شباهتی به محل زندگی انسان ندارد. بی در و پیکر و زهو در درخته و فاقد لوازم معمولی. کارگرانی که حداقل تا ۱۰ ساعت در آفتاب سوزان به کار مشغولند هر شب به این خانه ها بازمی گردند تا بعد از کاری توان فرسای زیرسقفی شکاف برداشته و بروی گلی های پاره پاره به استراحت بپردازند و باز فردا روز از نو و روزی از نو.

بعلمت کار مشقت بار و عدم تغذیه کافی کارگران بسیار زود از پا می افتند، آنان در جوانی پیر می شوند، اکثرا بیمارند و به زور قرص های گچی و ویتامین های ارزان قیمت نیروی خود را برای کاری توان فرسای بازمی سازند تا زندگی کنند. کارگران کوره پزخانه ها عموما فکیده و لاغرند، مزی که می گیرند به آنان اجازه خرید گوشت و دیگر ازیاق ضروری را نمی دهد و مغازه داران اطراف کوره پزخانه ها یا قیمت هایی سرسام آور به فروش اجناس می پردازند، استخوان بیرون زده گودکان و زردی و چین و چروک چهره جوانان بخوبی از سوء تغذیه کارگران رنج کشیده کوره پزخانه ها خبر می دهد.

در گزارشی از کوره پزخانه خاتون آباد تهران وضع کوره ها اینگونه تشریح شده است:

«کوره های خاتون آباد به سه دسته تقسیم می شوند: الف - گچی

دعوت برای تشکیل سندیکا

هیئت مؤسس موقت کارگران جوشکار اسکلت، درب و پنجره ساز، آهنگر، جوشکار لوله، مولتاژکار، رپر، رایبترکار، ورق کار، تانکرساز، منبع ساز، از کلیه کارگران صنفهای فوق دعوت کرده است تا برای تشکیل سندیکای واحد، جمعه ۲۵ خرداد ۴ بعد از ظهر در خانه کارگر جمع شوند.

گفتگوی کارگر و کارفرما

در کارخانه تولید دارو

مدیرعامل: بخاطر داشته باشید که فقط در مقابل پول نیست که باید کار کرد، بلکه مسئله مهمتری بنام مبین نیز باید در نظر باشد. تالاق نسل های آینده ما کمتر در استثمار صنعتی کشورهای دیگر باشند.

کارگر: و اما آقای کارفرما بخاطر داشته باشید که زندگی کردن فقط زیاد کار کردن و کم گرفتن نیست و فقط این نیست که ما برای حق خودمان مبارزه نکنیم، زیرا مبارزه برای مبین و مات همان مبارزه زحمتکشان برای گرفتن حقوق خودشان است چه از سرمایه داران خارجی و چه داخلی.

اما شما آقای کارفرما سوراخ دعا را گم کرده اید. اگر ما سرمایه داران خارجی و وابستگان داخلی آنها مبارزه نکنیم و چگونه می توانیم از مبین و صنعت داخلی دفاع نمائیم.

اکثر پدران ما کارگر یا کشاورز بودند، زیاد کار می کردند و کم می گرفتند پس چرا هنوز هم ما کارگران بصورت وحشیانه ای استثمار می شویم و چرا هنوز مملکت ما در دست عده ای سرمایه دار بی وطن و استثمارگر بین المللی به فقر و فلاکت دچار شده است.

اما ما کارگران اعتقاد داریم تا زمانی که دست اینها از مملکت کوتاه نشود، ما نه صنعت داخلی خواهیم داشت و نه روی خولی و شادمانی را خواهیم دید. راستی هم چقدر مسخره است که شما سرمایه داران از مبین حرف می زنید. این را دیگر همه کارگران آگاه و مبارز می دانند، سرمایه دار در تمام جهان فقط بدنبال سود و نفع خودش است برای همین بی وطن ترین طبقه است. ما در جریان انقلاب اخیر کشورمان که منجر به سرنگونی رژیم سلطنتی شد شاهد بودیم که خیامی ها، لاجوردی ها، یزدانی ها و ... بسا چندانی پاره پاره که ثمره کار و رنج زحمتکشان بود، بخارج فرار کردند و نشان دادند که راستی هم چقدر وطن پرست هستند!

بله شما بازم خود را پشت این حرفها قایم می کنید تا شیر جان ما کارگران را بکشد، زهی بیشری.

مدیرعامل: من افرادی را تحسین می کنم که رفتارشان با دیگران، رفتاری انسانی است. افراد کینه توز و ناسازگار، همیشه ناکام و مظلوم هستند، بهترین راه برای ایجاد صلح، صداقت، صراحت است.

کارگر: ما کارگرانی را تحسین می کنیم که رفتارشان با دیگر رفتاری کارگشان انسانی و دوستانه بوده و نسبت به سرمایه داران کینه توز و ناسازگار و مبارزه جو باشند و بهترین راه برای ایجاد صلح و صداقت و آزادی البته برای زحمتکشان، داشتن تشکیلات واقعی کارگری و مبارزه برای بدست آوردن حقوق واقعی کارگران می دانیم و این را بخاطر داشته باشید که می گویند:

بارقایی کارگرم خشمگین بوهیم
خشمان را با هم گفتیم
خشمان اضافه شد
بر دشمنان کارگر خشمگین شدیم
دشمن کارگر: خشمان را دهد
فرش اضافه شد.

کارگر: ما کارگرانی را تحسین می کنیم که رفتارشان با دیگر رفتاری کارگشان انسانی و دوستانه بوده و نسبت به سرمایه داران کینه توز و ناسازگار و مبارزه جو باشند و بهترین راه برای ایجاد صلح و صداقت و آزادی البته برای زحمتکشان، داشتن تشکیلات واقعی کارگری و مبارزه برای بدست آوردن حقوق واقعی کارگران می دانیم و این را بخاطر داشته باشید که می گویند:

بارقایی کارگرم خشمگین بوهیم
خشمان را با هم گفتیم
خشمان اضافه شد
بر دشمنان کارگر خشمگین شدیم
دشمن کارگر: خشمان را دهد
فرش اضافه شد.

کارگر: ما کارگرانی را تحسین می کنیم که رفتارشان با دیگر رفتاری کارگشان انسانی و دوستانه بوده و نسبت به سرمایه داران کینه توز و ناسازگار و مبارزه جو باشند و بهترین راه برای ایجاد صلح و صداقت و آزادی البته برای زحمتکشان، داشتن تشکیلات واقعی کارگری و مبارزه برای بدست آوردن حقوق واقعی کارگران می دانیم و این را بخاطر داشته باشید که می گویند:

بارقایی کارگرم خشمگین بوهیم
خشمان را با هم گفتیم
خشمان اضافه شد
بر دشمنان کارگر خشمگین شدیم
دشمن کارگر: خشمان را دهد
فرش اضافه شد.

کارگر: ما کارگرانی را تحسین می کنیم که رفتارشان با دیگر رفتاری کارگشان انسانی و دوستانه بوده و نسبت به سرمایه داران کینه توز و ناسازگار و مبارزه جو باشند و بهترین راه برای ایجاد صلح و صداقت و آزادی البته برای زحمتکشان، داشتن تشکیلات واقعی کارگری و مبارزه برای بدست آوردن حقوق واقعی کارگران می دانیم و این را بخاطر داشته باشید که می گویند:

بارقایی کارگرم خشمگین بوهیم
خشمان را با هم گفتیم
خشمان اضافه شد
بر دشمنان کارگر خشمگین شدیم
دشمن کارگر: خشمان را دهد
فرش اضافه شد.

کارگر: ما کارگرانی را تحسین می کنیم که رفتارشان با دیگر رفتاری کارگشان انسانی و دوستانه بوده و نسبت به سرمایه داران کینه توز و ناسازگار و مبارزه جو باشند و بهترین راه برای ایجاد صلح و صداقت و آزادی البته برای زحمتکشان، داشتن تشکیلات واقعی کارگری و مبارزه برای بدست آوردن حقوق واقعی کارگران می دانیم و این را بخاطر داشته باشید که می گویند:

بارقایی کارگرم خشمگین بوهیم
خشمان را با هم گفتیم
خشمان اضافه شد
بر دشمنان کارگر خشمگین شدیم
دشمن کارگر: خشمان را دهد
فرش اضافه شد.

کارگر: ما کارگرانی را تحسین می کنیم که رفتارشان با دیگر رفتاری کارگشان انسانی و دوستانه بوده و نسبت به سرمایه داران کینه توز و ناسازگار و مبارزه جو باشند و بهترین راه برای ایجاد صلح و صداقت و آزادی البته برای زحمتکشان، داشتن تشکیلات واقعی کارگری و مبارزه برای بدست آوردن حقوق واقعی کارگران می دانیم و این را بخاطر داشته باشید که می گویند:

بارقایی کارگرم خشمگین بوهیم
خشمان را با هم گفتیم
خشمان اضافه شد
بر دشمنان کارگر خشمگین شدیم
دشمن کارگر: خشمان را دهد
فرش اضافه شد.

کارگر: ما کارگرانی را تحسین می کنیم که رفتارشان با دیگر رفتاری کارگشان انسانی و دوستانه بوده و نسبت به سرمایه داران کینه توز و ناسازگار و مبارزه جو باشند و بهترین راه برای ایجاد صلح و صداقت و آزادی البته برای زحمتکشان، داشتن تشکیلات واقعی کارگری و مبارزه برای بدست آوردن حقوق واقعی کارگران می دانیم و این را بخاطر داشته باشید که می گویند:

بارقایی کارگرم خشمگین بوهیم
خشمان را با هم گفتیم
خشمان اضافه شد
بر دشمنان کارگر خشمگین شدیم
دشمن کارگر: خشمان را دهد
فرش اضافه شد.

و آهکی، ب - سفالی یا ماشینی، ج - آجر فشاری.
در کوره های گچی و آهکی، سنگ کج و آهک را کارگران ابتدا در کوره هایی به شکل مخروط ناقص می ریزند، سپس با حرارت دادن آنها را می پزند تعدادی از کارگران کلوخه ها یا سنگ های پخته شده را از کوره ها در آورده و در کنار آسیاب خالی می کنند، دوفکر با پتک سنگها را خرد کرده و به داخل آسیاب می ریزند تا بعد از پودر شدن پار ماشین شود. کارگران این کوره ها عموما ترک هستند، ممکنست چند روز در هفته را کثرتی و چند روز را روز مزد کار کنند. کارگران این کوره ها به علت اینکه در میان دوده های کوره و گرد و غبار گچی و آهک می باشند از نظر بهداشتی در وضع فوق العاده بدی به سر می برند به سختی می توان قبول کرد که یک کارگر در چنین شرایطی بتواند از ۱۰ سال بیشتر دوام بیاورد.

کارگران کوره پزخانه ها

کارفرمای کوره پزخانه ها، عموما کارگران را از میان رانده شدگان روستاها انتخاب می کند. کار در کوره پزخانه به علت آنکه به تخصص نیازی ندارد و از طرف دیگر به نیروی فراوانی احتیاج دارد، و بخاطر خصلت غیر ثابت بودن کار، بدست همین روستائیان که هنوز کاملا از ده ننگسته و خصوصیات پرولتری نیافته اند به گردش در می آید.

این کارگران را می توان با قیمت بسیار ارزاتر خرید و بکار گماشت. در گزارش کوره پزخانه آمده است:

شخصی که سمت استاد کاری دارد، و در واقع نوعی واسطه است بین ارباب یعی صاحب کوره پزخانه و کارگر، در زمستان برای بدام انداختن این کارگرها به روستاهای دور دست یعنی روستاهایی که فقط خانه های گلی را از روستا بیادگار دارد ... رفته و باشناسایی که از وضع تک تک خانواده های این روستا دارد و بایدهست می آورد به خانه های موجود نظر یعنی خانواده هایی که از نظر مادی در فقر کامل به سر می -

برند و بخصوص در زمستان که هیچ نوع کاری هم در روستا برای آبر معاش یافت نمیشود رفته و بایر داخت مساعده ناچیز پسرای که سر آنان بین ۸ تا حداکثر ۱۴ سال است و هنوز احتیاج به محبت پدر و

مادر و محیط خاص زندگی خویش دارند به عنوان کثرت ۷ ماهه یعنی از اول سال تا ماه آبان به مصرف خود در می آید البته همانطوری که گفته شد این خانواده های روستایی به دلایل گرفتاری مادی یعنی بدهکاری به شرکت زرعی و یا بانک کشاورزی و تعاون روستایی و مقال و مقال وغیره این جنر گوشگان خود را به کثرت شخص مذکور می گذارند

والا به جز فقر مادی و بدبختی دلیلی برای این کار تصور نیست ... واسطه در فروردین ماه بدنبال طعمه خود رفته آنها را برای کار به کوره پزخانه منتقل می کند. این کارگران پس از پایان کار به ده می روند و جالب است که می بینیم در کوره پزخانه ها کلمه کارفرما بکار نمی رود و بجای آن کلمه «ارباب» بکار گرفته میشود.

کارگران کوره پزخانه ها از کلیه امتیازاتی که کارگر کارخانه تواقسته بدست آورد، محروم است. او نه بیمه است، نه بهداشت در محیط کارش رعایت می شود، نه سودجویی می گیرد، نه ۸ ساعت کار می کند، نه وسایل ایمنی برایش فراهم است. در سینه کارگران کوره پزخانه خسرات وحشتناکی از حوادث مرگبار نهفته است.

در کوره پزخانه ها، مالک کوره پزخانه، مالکیت ابزار تولید و مسکن را در اختیار دارد و بوسیله مباشرین خود به خوردن خون کارگران مشغول است، سرعمله از کارگران قدیمی و معتدین ارباب است و به امور کوره تا مرحله تولید آجر پخته، اخراج و کمز یاد کردن حقوق کارگران و حر است از ابزار کوره و پاداش و شمارش خشتها مشغول است.

سر کارگر کسی است که به روستاها می رود و کارگران را جمع میکند و گاهی هم نقش نماینده کارگران را ایفا می کند و پیش ارباب بسود بالا بردن حقوق ... چانه میزند. در پائین هرم کارگران قرار دارند که سال گذشته حدود ۵۰ تومان هر روز مزد می گرفتند. بر طبق این سیستم بهره کشی کارگران کوره پزخانه ها صورت می گیرد. کارگرانی که هر از چندگاه دست، به قیام می زنند تا روح زندگی را در خویش بیدار بکنند و برای متشکل شدن و کسب آگاهی و پیروزی درس بیاموزند.

هر یک از پیشنهادات مختار خواهد بود.

۴- به پیشنهادت مبین و مشروط یا فاقد سپرده و به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۵- مدت تحویل کالا حداکثر ۱۵ روز پس از ابلاغ کتبی سازمان به برنده مناقصه خواهد بود و کالای مذکور یکجا با حضور کمیسیون مربوطه و در محل فروش تحویل گرفته میشود و برنده مناقصه موظف است در صورت عدم تحویل برای هر روز تاخیر مبلغ ده هزار ریال به عنوان خسارت بلاعوض بسازمان پرداخت نماید.

۶- سازمان میتواند مقدار کالای مورد نیاز را تا میزان ۲۵٪ کاهش یا افزایش دهد.

۷- چنانچه برنده مناقصه از انجام معامله امتناع نماید سپرده او بفتح سازمان ضبط و معامله با نفر دوم انجام خواهد شد.

۸- هر گونه مالیات و حقوق و عوارض که بر این معامله تعلق گیرد بعهده برنده مناقصه میباشد.

سازمان آب منطقه ای فارس

۴- به پیشنهادت مبین و مشروط یا فاقد سپرده و به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۵- مدت تحویل کالا حداکثر ۱۵ روز پس از ابلاغ کتبی سازمان به برنده مناقصه خواهد بود و کالای مذکور یکجا با حضور کمیسیون مربوطه و در محل فروش تحویل گرفته میشود و برنده مناقصه موظف است در صورت عدم تحویل برای هر روز تاخیر مبلغ ده هزار ریال به عنوان خسارت بلاعوض بسازمان پرداخت نماید.

۶- سازمان میتواند مقدار کالای مورد نیاز را تا میزان ۲۵٪ کاهش یا افزایش دهد.

۷- چنانچه برنده مناقصه از انجام معامله امتناع نماید سپرده او بفتح سازمان ضبط و معامله با نفر دوم انجام خواهد شد.

۸- هر گونه مالیات و حقوق و عوارض که بر این معامله تعلق گیرد بعهده برنده مناقصه میباشد.

آگهی مناقصه

سازمان آب منطقه ای فارس تعداد یکمصد و بیست قلم لوله و اتصالات مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی با شرایط زیر - خریداری مینماید.

آگهی مناقصه

سازمان آب منطقه ای فارس تعداد یکمصد و بیست قلم لوله و اتصالات مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی با شرایط زیر - خریداری مینماید.

۱- پیشنهاد دهندگان بایستی صورت لوله و اتصالات مذکور را از دفتر سازمان واقع در اول خیابان باغ ارم دریافت و پیشنهادات خود را بضمیمه صورت امضاء شده لوله ها و اتصالات منتهی تا آخر وقت اداری روز دوشنبه چهارم تیرماه ۵۸ بدفتر سازمان تسلیم و رسید دریافت دارند.

۲- پیشنهاد دهندگان مکلفند پنج درصد از بهای کل پیشنهادی خود را نقدا به عنوان سپرده بحساب جاری شماره ۲۷۰۲۸ این سازمان نزد بانک ملی شیراز تودیع و رسید آنرا پیوست پیشنهاد خود نمایند.

۳- پیشنهادات واصله در ساعت ۱۰ روز سه شنبه ۵۸ حضور کمیسیون متشکله باز و قرائت خواهد شد و سازمان در رد کلیه و یا قبول

انتخابات کارگران چاپخانه ها

سندیکای کارگران چاپخانه های تهران و حومه اعلام کرد: نظر باینکه دوره فعالیت هیئت مدیره تمام شده است، لذا از کلیه کارگران چاپخانه (حروفچین و فرم بند - ماشینچاپ و صنعتی - صحاف - گراورساز و لیتوگراف - صحاف کاران مستقل) دعوت میشود در مجمع عمومی سندیکای کارگران چاپخانه ها شرکت کنند. برنامه این جلسه عبارتست از: ۱- گزارش سندیکا ۲- گزارش مالی سندیکا ۳- گزارش هیئت ۱۵ نفری ۴- بحث آزاد

مجمع عمومی سندیکای کارگران چاپخانه ها

مجمع عمومی سندیکای کارگران چاپخانه ها بعد از ظهر پنجشنبه ۲۴ خرداد در خانه کارگر برگزار میشود.

آگهی احضار دادرسی غیابی

به غلامرضا شهرت دانشور شکوهی فرزند علی که در پرونده ۸۶۵۹-۱۳۵۳ جنائی این دادگاه باتهام جعل و استفاده از سند مجهول طبق کیفرخواست دادسرای تهران تقاضای مجازات وی شده است نظر باینکه فعلا نامبرده مجهول المکان و متواری رسیدگی حضوری باتهام وی مقدور نیست به تقاضای دادرسی غیابی در امور جنائی مصوب سال ۳۹ و تبصره یک از ماده واحده قرار رسیدگی غیابی نسبت باتهام متهم موصوف صادر و وقت رسیدگی برای روز چهارشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۵۸ ساعت ۱۰ صبح تعیین می شود و مقرر میگردد دفتر وکیل مدافع متهم را برای روز مذکور احضار و باقیه اینکه در صورت عدم حضور متهم دادگاه غیابا بموضوع رسیدگی و حکم صادر خواهد نمود مراتب در دونوبت متوالی منووبت بفاصله ده روز در روزنامه کثیرالانتشار معلی و روزنامه رسمی کشور آگهی میگردد. ۲-۲

رئیس شعبه اول جنائی مرکز - جلال رهوردی

کتابی چند درباره‌ی «لایحه مطبوعات»

از نظر فنی، بحث درباره‌ی متن پیش نویس لایحه مطبوعات صلاحیت صاحب نظران حرفه‌ای است، یعنی: حقوق دانان، قضات، روزنامه نگاران و ناشران. بنابراین آنچه در زیر می آید فقط جنبه‌ی کلی سیاسی و اجتماعی دارد.

در ماده ۲ آمده است که «امتیاز نشریه به... داده میشود» اعلامیه حقوق بشر حاکی از آنست که آزادی کسب و تبادل مهار، آزادی بیان عقاید و نظریات - چه شفاهی و چه کتبی - حقوق سلب ناشدنی انسانی است که جز در موارد مشخص و ماس (مثلا تجاوز به حریم آزادی دیگران) نامحدود است. بنابراین، این ماده که حق عام را با «دادن امتیاز» محدود میکند، خلاف حقوق به رسمیت شناخته شده‌ی انسان در سطح جهانی است.

علاوه بر این، بند ۵ ماده ۲ که «دادن امتیاز» را موقوف به «داشتن تقوای سیاسی» می کند، محتوای آزادی را نقض می نماید. «تقوای سیاسی» یک عبارت کش دار است و از هر جهت قابل تفسیر می باشد. اگر درست است که در جوامع طبقاتی، تشخیص اخلاقی از دیدگاه منافع طبقه‌ی معین برمی خیزد، بزم نظر نمایندگان طبقات مختلف نسبت به «تقوای سیاسی» نباید و متناقض و یا لاف لاف ناهمگون است. کارگر تبلیغ حق و نصاب و مبارزه در راه ارتقای سطح دستمزد را از اصول تقوای سیاسی احزاب منتسب به طبقه کارگر می داند، و حالیکه صاحبان صنایع چنین برداشتی را دلیل «خرابکاری» و «افعال دروحدت ملی» می شمارند. این امر در مورد «صلاحیت اخلاقی» نیز صادق است. ماده ۵ باید کلا حذف شود چه با بود مراجع دادگستری، می توان حقوق اجتماعی نا اهلان کلاه برداران، سوءاستفاده کنندگان و امثالهم را برای مدت محدود سلب نمود.

لایحه مطبوعات

بقیه از صفحه ۱

درست مثل آنکه بگویند داشتن عقیده آزاد است، ولی صاحبان حرفه‌ی عقیده باید بر حسب حاوی عقیده‌شان روی سینه نصب کنند. بعد به میان مردم بیایند، تا مردم آنها را از دور تشخیص دهند. ولابد، در صورت لزوم، بابت آزادی عقیده از آنها جزیه سرانه گرفته شود!

اگر باین برداشت «انقلابی» به تدوین لایحه قانون مطبوعات مبادرت ورزیده اند باید گفت دست: مریزاد معجون خوبی است، و مرهم سینه‌های سوخته از ستم خودکامگی و استبداد و ایسته رژیم سرنگون شده است.

در همین حد است، شرفه‌تم، که متقاضی باید زبانی را که نشریه به آن انتشار خواهد یافت از پیش در تقاضای خود، بیابارد، یعنی اگر در تقاضا نوشتن و زبان نشریه را معین نکرده، امتیاز او، صادر نخواهد شد، و پرونده‌اش ناقص می ماند.

آنچه خاصه، مشکل صلاحیت را بیشتر پیچیده می کند، صلاحیت اخلاقی و حسن شهرت و تقوای سیاسی و درستی و امانت داری را، تبه‌سرایی است که ذیل این ماده آمده است خوب دقت کنید: «تبصره ۱: تشخیص صلاحیت و صدور امتیاز به عهده وزارت ارشاد ملی می باشد.

به این اعتبار، ملاک صلاحیت نیز نزد وزارت ارشاد ملی است. و داوطلب روزنامه نویسی عبت خود را دستخوش داوری قرار می دهد.

ماده چهار، تکرار بند ۲ ماده ۳ است با توضیح بیشتر درباره‌ی مدیر مسئول، که پیش ازین پرسیدیم، اگر قرار است به کسی امتیاز مسئولیت نشر روزنامه یا مجله بدهند، چرا باید پیشاپیش، مسئولیت او را خدشه دار می کنند، و چرا پرایش مدیر مسئول می ترسند؟

ماده (۴) می گوید: درخواست کننده امتیاز باید شخصی را به عنوان مدیر مسئول به وزارت ارشاد ملی معرفی کند. مدیر مسئول باید علاوه بر داشتن شرایط مندرج در ماده ۲ حداقل دارای صلاحیت علمی و حرفه‌ی به تأیید وزارت ارشاد ملی باشد.

قسمت دوم ماده ۴ - در واقع نامخ قسمت اول است زیرا: درخواست کننده امتیاز در صورت دارا بودن شرایط فوق خود نیز می تواند مدیر مسئول باشد.

صلاحیت علمی و حرفه‌ی راکه به صورت پنجسال سابقه روزنامه نگاری، یکبار در مورد صاحب امتیاز شرط قرار داده بودند، حالا دیگر صاحب امتیاز چه شرایطی باید داشته باشد که بتواند خود مدیر مسئول باشد، معلوم نیست! دلیل تجزیه سردبیر، به صورت تبصره، از مدیر مسئول روشن نیست، و اگر سردبیر مسئول امور تحریری نهریه است پس مدیر مسئول چکاره است؟

نداشت چه بسا قسمتی از زد و بندهای ضد ملی ارتش افشاء می شد و نهضت اعتراضی مردم زودتر شکل می گرفت.

ماده ۱۷ و ۱۸ کلا بوی استبداد و اختناق می دهد البته ممکن است احتمال استفاده‌ی سوء از طرف مراجع اصیل روحانیت نادر باشد ولی با در نظر گرفتن وجود گروه بزرگی روحانی نما، راه افشاگری و شناسائی گروه اخیر کاملاً سد می شود. در تبصره يك ماده ۲۰ باید این حق را به ناشر هم داد که اگر دادخواست شاکي به ثبوت نرسید، ادعای خسارت نماید و جبران خسارت وارده را از دادگاه بخواهد.

ماده ۲۲ و تبصره‌ی آن، حق انعقاد مردم را از دولت که قانوناً باید نماینده‌ی مردم باشد سلب می کند و دولت را به قدرتی مافوق مردم، قدرتی غیر قابل انتقاد مبدل می سازد. باید عکس این مطلب تصریح گردد: باید هم چنان که در بسیاری از کشورهای مترقی برقرار است، اصل کنترل ارگانهای دولتی - اعم از نظامی و غیر نظامی - بوسیله فرد مردم مورد تأکید قرار گیرد. مثلاً در آمریکا هر مالیات دهنده می تواند پرونده‌های هر ارگان دولتی را برای اطمینان از صحت جریان امور مطالبه و مطالعه کند و یادداشت‌های خود را بهر نحو که بخواهد منتشر سازد.

در تبصره‌ی ماده ۳۸ باید قید شود که اگر دادگاه یا توقیف روزنامه موافقت نکرد، خسارت ناشر از طرف شاکي باید جبران گردد.

۲- شرکت کنندگان در مزایده بایستی سپرده ۵ درصد قیمت کل زمین مورد پیشنهادی را بحساب ۴۲۷۰ سپرده شهرداری در بانک ملی شعبه قزوین واریز و فیش آنها ضمیمه پیشنهاد نمایند.

۳- حداقل پهای پیشنهادی برای هر متر مربع نباید کمتر از ۴۰۰۰ ریال باشد.

۴- پیشنهاد دهندگان باید پیشنهادات خود را در پاکت لائوسر شده تا ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۱۳۵۸/۰۶/۱۳ بدفتر شهرداری تسلیم و رسید دریافت دارند.

۵- پیشنهادات واصله در ساعت ۱۱ صبح همان روز با حضور اعضاء کمیسیون معاملات شهرداری باز و قرائت خواهد شد.

۶- حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه مزایده آزاد خواهد بود.

۷- هرگاه برنده مزایده طرف مدت هفت روز بعد از ابلاغ کتبی شهرداری به واریز بهای زمین بحساب جاری ۴۱۰۸ در بانک ملی ایران شعبه قزوین ننشاید. سپرده بفتح شهرداری ضبط و سپرده برندگان دوم و سوم تا قطعی نشدن معامله با برنده اول مزایده مسترد خواهد شد.

۸- شهرداری در رد یا قبول هر يك از پیشنهادات مختار خواهد بود.

جمعیت اتحاد

بقیه از صفحه ۱

اقدام به ملی کردن نه تنها بانکها بلکه مؤسسات بزرگ مالی و صنعتی و شرکتهاى بیمه و زمینهای وابسته به سرمایه‌های بزرگ و ادغام بانك های خصوصی در يك بانك دولتی واحد به منظور حفظ منافع زحمتکشان کشور ضروری است.

وحشت سرمایه داران بزرگ

بانکها از عمده‌ترین ابزار و وسایل استعمار، غارتگری و اعمال فشار بر توده‌ها هستند. به همین دلیل فقط سرمایه داران بزرگ و سخنگویان آنها از ملی شدن واقعی بانکها وحشت داشته، موافق در این راه ایجاد می کنند. طسی سالیان دراز، بسویژه در جریان اوج گیری شکوهمند جنبش انقلابی و توده‌ای، مقادیر زیادی ارز توسط سرمایه داران بزرگ و وابسته به امپریالیزم به عنوان مختلف از طریق بانکهای موجود به خارج انتقال داده شد. و یا اعتبارات هنگفتی در اختیار سرمایه داران غارتگر و دلال امپریالیزم گذارده شد.

تنها با ملی کردن واقعی بانکهاست که می توان کنترل خلقی و انقلابی را عملی ساخت و این امکان را بوجود آورد که دانسته شود، میلیونها میلیاردها تومان پول از کجا به کجا و چگونه و چه زمانی جابجا شده و می شود.

شورای انقلابی کارکنان بانکها

در صورت ملی کردن واقعی بانکهاست که می توان نحوه اساسی معاملات غارتگرانه امپریالیستها و سرمایه داران بزرگ را دریافت، و از طریق آن به امر کنترل کلیه امور اقتصادی، تولید، توزیع و نیز تنظیم امور اقتصادی سالم پرداخت واز دوز و کثک سرمایه داران و رباکارها و توطئه چینی‌های آنان جلوگیری کرد و میزان درآمد و ثروتهای آنان را تحت کنترل در آورد.

ملی شدن بانکها و ایجاد بانك واحد دولتی این امکان را فراهم می آورد که بتوان با مجموعه تسهیلاتی که از این راه فراهم می آید به کمک سرمایه‌های کوچک و متوسط شتافت و با کمکهای بلاعوض و یا پرداخت وامهای دراز مدت و یا

پیغام امروز

مدیر مسئول - رضا مرزبان

زیر نظر شورای نویسندگان

ناشر: پیغام نو

نشانی پستی تهران صندوق

شماره ۴۱۹۲۶۶۷

آزادیهای سیاسی و اجتماعی،

تجزیه پذیر نیست

۹- به پیشنهادات مبهم و فاقد سپرده و یا پیشنهاداتی که پس از انقضای مهلت مقرر بدفتر شهرداری تحویل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۱۰- در صورتی که تعداد پیشنهادات برای هر قطعه مورد مزایده کمتر از سه فقره باشد پیشنهادات واصله مفتوح نخواهد شد و مجدداً جریان مزایده برای آن قطعه تکرار خواهد شد.

۱۱- کلیه هزینه های مربوطه از قبیل آگهی و مالیات و عوارض متعلق باین مزایده بعهده برنده مزایده خواهد بود.

۱۲- اشخاصی که مسئول منع مداخه کارمندان در معاملات دولتی می باشند حق شرکت در مزایده را ندارند.

۱۳- پاکات مربوط به هر کدام از ۲ مورد مزایده فوق میبایستی بطور مستقل و جدا از یکدیگر تحویل دفتر شهرداری گردد.

شهردار قزوین - مهدی رضائی

۲-۲ م الف ۴۲۰۹

پشتیبانی از زنان کارآموز قضایی

اتحادیه انقلابی زنان مبارز ضمن اطلاعیه‌ای پشتیبانی خود را از خواستهای زنان کارآموز قضایی اعلام کرد. در این اطلاعیه آمده است:

بهرسمیت نشناختن حقوق زنان برای ورود در کادر قضایی جزئی از سیاست کلی است که برای زن بعنوان انسان حقی قائل نیست و میخواهد زنان را بدوران بردگی بازگرداند.

این اقدام غیرقانونی توطئه‌ای است برای کنار گذاشتن تدریجی زنان از محیط زندگی اجتماعی. اتحادیه انقلابی زنان هرگونه ستم و حق‌کشی نسبت به زنان را محکوم کرده و خواستار پاسخگویی مسئولان به خواستهای قانونی و مشروع شماست.

کارکنان ۳ شرکت در آبادان اعتصاب کردند

کارکنان ۳ شرکت «شیل» «باغبانی و تنظیفات» و «کفرنگ» در آبادان دست از کار کشیدند. اعتصاب کردند علت این اعتصاب برای عدم استخدام رسمی آنها در شرکت نفت می‌باشد.

تحصن در دادسرای آباءه

گروهی از اهالی آباءه و اعضای سازمان «فرهنگی-اجتماعی» آباءه در دادسرای آباءه دست به تحصن زدند. این گروه خواستار پاک‌سازی دادگستری آباءه از عناصر ضد انقلاب و افراد نالایق شدند.

به تحصنی که در دادگستری تهران از طرف خانواده شهدای فدایی و زندانیان سیاسی برگزار شده می‌یوندم.

آزادی خواه و ضد ارتجاع می‌خواهد که این انجمن را در مقابله لایحه قانون مطبوعات که آزادی‌های اساسی ملت ما را در مقام تهدید قرار داده است یاری دهند و از دولت موقت انقلابی جمهوری اسلامی ایران بخواهند این لایحه را کالعدم بکنند. * سازمان توفان نیز بمنظور تصریح و تحکیم مواضع انقلاب که شدیداً در خطر اضحلال است، و نیز بخاطر مبارزه با هر نوع انحصار طلبی، از مفاد فراخوان تظاهرات روز جمعه حزب جمهوری اسلامی خلق خواهان قویا پشتیبانی کرده و همگان را بشرکت در آن فرا میخوانیم.

آزادی را، نمی‌شود در قفس کرده، آزادی را هنوز تازه از قفس بیرون کشیده‌ایم، صدای آقای خلخالی، هنگامی که ده اصل مانیفست فدائیان اسلام را می‌خواند، صدای خطیب امروزی نیست، گویی از پشت ابرهای چندین قرن پیش، بر می‌خیزد، این صدای اسلام هم نیست. صدای اسلام به گوش مردم ایران آشناست، هزار و چهارصد سال است آشناست. اینکه می‌گویند دوازده و پانصدسال شاهنشاهی، دروغ محض است. ایران چهارده قرن، با اسلام زیسته است و در اسلام زیسته‌است. و این صدای ناآشنای کنونی را پاسداری آشنای دیرینه فرق می‌گذارد.

چرا نباید پس از انقلاب، مجلس موسسان به تدوین قانون اساسی بپوشیند؟ چرا نباید آگاهان هر رشته، و نمایندگان هر گروه، در تدوین قانون اساسی مشارکت داشته باشند؟ چرا باید برای مردم، قیم انتخاب کنیم و چرا باید مردم را صغیر و محجور و محتاج سرپرستی بدانیم؟ ما مساحبه آیت‌الله شریعتمداری را، در زمینه روشن ساختن افق روحانی مسایل مربوط به انقلاب، آزادی، مجلس موسسان، و حق اندیشه نظامیان، با احترام نگاه می‌کنیم. و این تأیید روحانی را می‌ستاییم که فرد ارتشی، درست به اندازه هر فرد دیگر جامعه ما حق مشارکت در حیات اجتماعی وطن خویش دارد و نمی‌توان او را، از این مشارکت به‌گناه نظامی بودنش محروم ساخت.

روزم سرتکون شده اگر چنین می‌کرد، دلیل داشت، آن رژیم می‌خواست ارتشی جدا از مردم، و بیگانه با مردم و حقوق اجتماعی فرد ایرانی، تربیت کند تا بتواند به سر نیزه و توپ چنین ارتشی تکیه زند، ولی دولت انقلابی ایران که در پی ارتش مردمی است، و هنوز توانسته است به بقایای ترمیم شده ارتش نظام سابق اعتماد پیدا کند، چگونه از همان راه می‌رود؟

آزادی اساس تمام حقوق فردی و اجتماعی ماست آن را حراست کنیم و اجازه ندهیم به‌دام توطئه‌های منجیدیه و ناسنجیده اسپر شود و بار ما را به ستم حکومت استبدادی و سلطه امپریالیستها محکوم سازد.

پشت‌پرده

این به موازات شروع فعالیت تبلیغاتی از جانب (قیاده موقت) یا کردهای پارزانی است که پس از آن سابقه مشعشع در ارتباط با اسرائیل و شاه مطرود و امریکا و عمل کرد نافرمان، مدتی سکوت داشت و حالا ناگهان دشمن خونین اسرائیل، شاه مطرود و امریکا از آب درآمد است و فریاد می‌زند که به انقلاب اسلامی وفادار است، و آماده جنگیدن با بغداد و بادشمنان انقلاب اسلامی ایران. در منطقه‌ای که از آن سخن می‌رود، هفته‌ی است خبر درگیری های قوای عراق و بارزانیها و بمباران روستاهای مرزی ایران وسیله بمب افکنهای عراقی می‌رسد. و اینجا در درون خود، دارو دسته پالیزبان، و چنانکه شایع است، اویسی را نیز پنهان کرده‌است.

سندج، می‌خواهد یک نمایش تازه بدهد که مقتی زاده کارگردان آنست، ولی اگر این نمایش را هم نمی‌داد، می‌شد درباره نحوه عمل و نقشه مقتی زاده داوری کرد. سایه دسته «امل» در خوزستان آشکار شده است، حال آنها هستند که برخبر مشر تسلط دارند. و تسویه حسابی که با برادر صدام حسین، و با «جرج حبش» شد نیز نشان میداده چه سایه‌ی باید روی وقایع خرمشهر افتاده باشد. از قرار معلوم در سندج هم وضع بر همین منوال است. و در دشت گرگان هم جز این نبود. دسته «امل» دارد خود را به سیمای انقلابی درمی‌آورد و با توجه به جو محافظه کارانه تعالیم و اعمال این دسته، خطری که از چنین تسلط های موضعی و هدایت شده بوجود خواهد آمد، بخوبی پیداست.

شمشیر اختلاف مذهبی، یکی از شمشیرهای نفاق افکن مسلط بر جامعه ما شده است، و خبر گرامشاه میگوید: در کردستان دیروز دوازده نفر راهپیمایی کردند تا قبض بین شیعه و سنی را محکوم کنند.

معامله ایران با افریقای جنوبی ادامه دارد

تایمز مالی دوباره نوشته است: علی‌رغم اظهارات رسمی دولت ایران مبنی بر قطع کلیه روابط سیاسی و اقتصادی با آفریقای جنوبی، ایران مقدار معتدبایی کالا از آفریقای جنوبی وارد میکند. این عمل با اطلاع کامل آقای بازرگان انجام می‌گیرد. بیشتر این واردات را صنایع پلاستیک تشکیل میدهد، که در بازارهای جهانی کماب است.

قانون نویسندگان

اجتماعی ناچار به سیاست، یعنی به دولت میکشد و آنوقت ناگهان جماعتی از «هفت خط» های سیاسی پیدا میشوند که به عنوان دلسوزی برای دولت، قضیه را درست از زاویه دید آن شتر مرغ کذا می‌بینند: جایی که دولت باید بار بکشد میگویند «مرغ» است و بار کشیدن از او ساخته نیست و جایی که باید تخم بگذارد استدلال میکنند که دست بردارید، «شتر» است، و تخم گذاشتن از او بر نمی‌آید در چنین اوضاعی، هر نوع انتقاد از «دولت» به موضع گیری مخالف و خصمانه در برابر دولت تعبیر می‌شود. گرفتاری دوم اینست که در هر بحث اجتماعی و فرهنگی، که ناگزیر جنبه‌های سیاسی هم پیدا می‌کند، و به دولت مربوط میشود معلوم نیست این دولت مأمور انجام چه نوع وظائفی است. دولتی است که بنا به فرمان دولتمداری اش برای انجام فرآیند تدوین قانون اساسی و فراخواندن مجلس موسسان برای تصویب آن و بعد از انجام انتخابات عمومی و سپردن کارها به دست «دولت منتخب» مردم بر سر کار آمده است، یا اینکه دولتی است که از هم اکنون واقعا دولت است و مأمور «ترکیه» و «تصفیه» و «قانونگذاری» برای مطبوعات، و زمین و مسکن و خیلی چیزهای دیگر؟

بالاخره گرفتاری سوم اینست که همین دولت گاه به یاد منشأ انقلابی خود می‌افتد و کارهایی میکند که در مسیر منطقی یک انقلاب است مانند ملی کردن بانکها، ولی در بسیاری از موارد هم یا قماش چینی است، یا کوتاه می‌آید، و یا حتی رندانه و معصومانه از آن طرف می‌افتد و به اقداماتی متوسل میشود که در شان یک دولت انقلابی نیست.

سخن بر سر چیزی است به اسم پیش نویس یا لایحه قانون مطبوعات که وزارت «ارشاد ملی» اخیراً منتشر کرده است. در مورد این لایحه صاحب نظران

اینها سایه‌های سبک و سنگین وقایع است. باید به تمام آنها اندیشه کرد. امریکا، عیث خود را برای حضور مداوم در خلیج فارس و دریای عمان آماده نکرده است. و چشمانی که فقط به یک نقطه می‌نگرد، و یک بعد را بیشتر در نمی‌یابد، قادر نیست جای اندیشه کردن به ثواب جدال مذهبی، یا سرکوب مخالف مذهبی، به آینده این نوع اعمال بنگردد و از خود بپرسد، اگر فردا ایران یکسر به دست توفان و امریکای منتظر در خلیج فارس چه اصلی را بکار خواهد بست.

بنا باظهارات واردکنندگان ایرانی، برای پنهان مشخصات کشور فروشنده حمل کالاهار استاد حمل سوآ و بندر مابوتو ذکر شده است بر اساس ارقام سه ماهه واردات آهن بی‌وی سی، پولی برای بسته بندی و پوشش زیادی افزایش یافته است کمپانی آفریقای جنوبی مواد پلاستیکی با ایران می‌فروشد «آ.ای.سی.آی» نام دارد وابسته به کمپانی بین انگلیسی «انترناشنال کاندستری» میباشد.

واهل قلم گفتنی‌ها را گفتن همیشه یادآور شویم که «وزارت ارشاد ملی» به ازاسمی که برای خود برگزیده خواسته است گریه را دم بکشد و ثابت کند که واقعا تاریخچه برای ارشاد و خلق گمراه، بویژه اهل قلم، و حاصل این فیت «خبر» مقررات شداد و غلاظی است که اسم «لایحه مطبوعات» تمویل داده است. کدام قانون مطبوعات بر اساس کدام قانون اساسی آیات تکلیف قوای سلطنتی و ثنور وظائف هر یک مشخص است که وزارت «ارشاد ملی» اساس آنها و در چار چوب وظائف برای مطبوعات کشور و نشان بکشد؟ ملت ایران مبارزه کرده و همیشه داد که و بیان دیگر قیم و وکیل داشته باشد و شمشیر دامو «امتیاز» و تهدید به حبس و زندان با اصطلاحات و تمایزهای نگاران و اهل قلم برداشته حال با این مقدمات سزاوار است که وزارت ارشاد ملی و بعد از دو تعقیب این «ماموریت تاریخی» بخود عطا فرموده، بدون گونه صلاح و مصلحت قبل اهل قلم و مطبوعات دست به «وزارت اطلاعات» گذشته که وزیرش به جرم تجاوز به ملت تیرباران شده، با مختار آب و رنگ، به نام قانون مطبوعات بخورد مردم بدنه «مقاله» و «انتقاد» و «آزمایی» وظیفه اش را تمام تلقی کند و خوشحال باشد کار مطبوعات را سامان است؟ نه سزاوار نیست؟ دولتی که اقدامی نظیر کردن بانکها را انجام میدهد کم به تصدیق همه گروههای سیاسی مبارز و پیشرو گامی مسیر حرکت انقلابی جامد ماست شایسته است همت کند این چیزی را که به نام لایحه مطبوعات منتشر کرده است پایگانی «وزارت اطلاعات» گذشته بسپارد تا با خاطر همان وزارت ضد مردمی به سپرده شود. چرا که چنین لایحه هائی در خور «دولت موقت جمهوری اسلامی» نیست.

آزادی، شمار نیست، هوای است که نفس می‌کند